

انتشارات فرهنگ ایران زمین

۹



تألیف

ابوطاهر سمرقندی

بکوش

الرج الفار



تهران - ۱۳۴۳

**Publications de
Farhang-e Iran Zamin**

Directeur: Iraj Afshar

— 9 —

SAMARIYAH

(History of Samarqand)

Par

Abu- Tahir Samarqandi

Édité par

Iraj AFSHAR

Tehran, 1955

سمریه

تألیف: ابوطاهر سمرقندی

بکوشش: ایرج افشار

۸۱۰

۶۶

9A A9Y 1

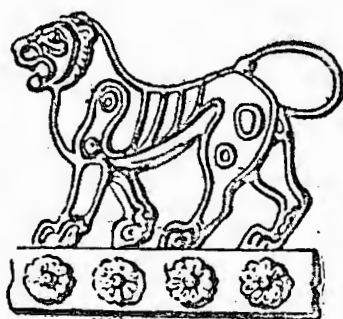
سمریه

انتشارات فرهنگ ایران زمین

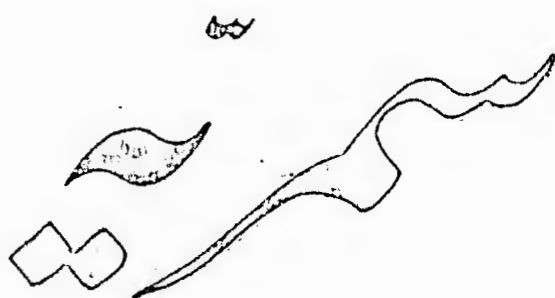
۹

سلسله متون و تحقیقات

زیر نظر
ایرج افشار



تهران-۱۳۴۳



دربیان اوصاف طبیعی و مزارات سمرقند

تألیف

ابو طاهر خواجه سمرقندی

بکوشش

ایرج افشار

بها ۸۰ ریال

يك هزار نسخه ازین كتاب در چاپخانه تابان بطبع رسید

تهران - اسفندماه ۱۳۴۳

اهداء به دو دانشمند بزرگوار
احمد آرام و علی محمد عامری

مقدمه

در تاریخ شهر و وصف مزارات سمرقند از قرون پنجم و ششم بعد تألیفاتی موجود بوده است که متأسفانه تا کنون اثری از همه آنها به دست نیامده است.^۱ تا آنجا که معلوم است قدیمترین نوشته مستقل موجود بزبان فارسی در باب این شهر بنام تاریخی کتابی است به نام «قندیه» یعنی تلخیص گونهد و گریان شده کتاب مشهور «القندی تاریخ سمرقند» که چند سال پیش ازین تجدید طبعی از آن را من در تهران نشر کردم.^۲

۱- برای تفصیل نگاه کنید به «تواریخ سمرقند» نوشته اینجانب (یغما، ۸: ۲۵۹-۲۶۱) و نیز به مقدمه کتاب «قندیه» بکوشش اینجانب (تهران، ۱۳۳۴) و نیز مقاله سعید نفیسی بعنوان «کتاب مهمی در تاریخ سمرقند» در مجله ایندو ایرانیکا (ج ۴ ش ۲/۳: ۱۳-۱۶).

۲- طبع اول در سمرقند بسال ۱۹۰۸ میلادی شده بود (چاپ سنگی، قطع رقعی، ۱۷۶ ص،، بخراجات تاجر کتب ملا عبدالحکیم).

کتاب مفرد دیگری که در بیان مزارات و احوال طبیعی سمرقند موجود است کتابی است خرد بنام سمریه که اگرچه قدیمی نیست اما مشحون بر فواید و برای ما ایرانیان گوینده تاریخ شهری است که یادش باشعرباشعرب شیراز در قلب و روح ما هماره زنده است و آثار فکر اسلامی و مظاهر معارف ایرانی را که از قرون اولی اسلام در اقصای خراسان منتشر شده بوده است امروز بر ما باز گومی کند.

نخستین بار ن. ای. و سه لوفسکی مستشرق روس این کتاب را در سال ۱۹۰۴ میلادی در سلسله انتشارات دارالعلوم پترزبورغ نشر کرد و پس از پنجاه سال برای دوم بار بنابه علاقه مدیر سالنامه کشور ایران با مقاله‌ای از من در سالنامه مزبور انتشار یافت^۱ و دو بیست نسخه هم بصورت جداگانه (مستخرج) بهمت مدیر کتابفروشی دانش منتشر شد. اما چاپی بود مغلوظ، چه مبتنی بود بر چاپ روسیه که در آن خود اغلاطی موجود بود، و تکلیف چاپ چنین آثار در سالنامه خود امری روشن است.

۱ - سالنامه کشور ایران، جلد هفتم (تهران ۱۳۳۱).

سالها بود که میل داشتم تا این کتاب بصورتی منقح تجدید طبع شود. از اتفاق امسال عکس مجموعه‌ای خطی متعلق به شعبهٔ لنین گرادِ مؤسسهٔ تحقیقات شرقشناسی فرهنگستان علوم شوروی به کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه^۱ واصل گردید و موقع به دست آمد تا طبع جدید از کتاب سمریه نشر شود.

مؤلف کتاب، ابوطاهر خواجه سمرقندی نام دارد. پدرش ابوسعید خواجه سمت قضا در سمرقند داشته و با اصطلاح تاجیکان «قاضی کلان» (قاضی القضاة) بوده است (ص ۱۴ و ۸۸). خاندان وی بنحوی که از مطالب کتاب برمی آید اهل علم بوده اند و میر عبدالحی خواجه که جدّ وی بوده است بجز قاضی کلانی مقام شیخ الاسلامی شهر و تألیفات متعدد داشته (ص ۹۷ - ۹۸) و مورد احترام امیر حیدر پادشاه از سلاطین مغنییه بوده است.

تاریخ دقیق تألیف کتاب معلوم نیست، اما از اینکه در

۱- شمارهٔ 2-2307 B که فیلم آن شمارهٔ ۱۶۴۶ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه نگاهبانی می شود.

صفحه ۵۸ نوشته است که روز پنجشنبه شانزدهم جمادی الاولی ۱۲۵۱ به استنساخ کتابه‌های مزار قثم بن عباس پرداخته بوده است می‌توان احتمال داد که در همین سال به نگارش کتاب اشتغال داشته است.

ابوطاهر به نحوی که در مقدمه بیان کرده است کتاب را بر یازده فصل و یک خاتمه تقسیم می‌کند، اما ظاهراً توفیق به انجام رسانیدن آن را نیافته، چه چاپ و سه لوفسکی که مبتنی بر سه نسخه خطی^۱ بوده است و هم نسخه خطی مورد استفاده اینجانب فقط نه باب را دربردارد. پس نمیتوان گفت که دنباله آن چه صورتی داشته است.^۲

سمریه از دیرگاه مورد ملاحظه و استفاده

۱- یکی نسخه‌ای بخط ملا قاضی از شاگردان مؤلف سمریه که از روی خط مؤلف کتابت کرده بوده است، دیگر نسخه‌ای که مبنای ترجمه و یا تکین بوده است، سه دیگر نسخه موزة آسیائی فرهنگستان علوم که محتمل است همین نسخه باشد که اکنون طبع جدید از روی آن انتشار می‌یابد.

۲- در فهرست نسخه‌های خطی جغرافیائی شعبه لنین گراد مؤسسه شرقشناسی فرهنگستان علوم شوروی تألیف میکلوخوما کلای (مسکو، ۱۹۵۵) سه نسخه معرفی شده است.

مستشرقان روس بوده است .

نخستین بار « آستروواموف » در سال ۱۸۸۴ جزئی از آن را بنام « سمرقند فردوس مانند » به چاپ رسانیده و پس از آن در سال ۱۸۹۹ « ویساتکین » ترجمه روسی آن را نشر کرده است .^۱

در طبع کنونی اساس کار نسخه شماره ۲-۲۳۰۷ B است و اگر در موردی ذکر نسخه بدل چاپ و سه لوفسکی لازم آمده است در ذیل با نشانه « چ » مشخص کرده ام . کتاب چون از آثار منثور متأخرست لامحاله متأثرست از لهجه تاجیکی و بهمین سبب کلمات و تعبیرات این لهجه را در فهرستی مندرج ساختم تا به آسانی شناخته شود .

ایرج افشار

تهران ، هفتم اسفند ۱۳۴۳

۱- این مطلب مأخوذست از مقدمه روسی و سه لوفسکی که آقای مهندس کاظم انصاری از راه لطف آن مقدمه را برای من ترجمه کرده است .

مآخذ*

ابنیه و آثار تاریخی اسلام در اتحاد جماهیر شوروی .
تاشکند [۱۹۶۰].

افغانی نویس : لغات عامیانه فارسی افغانستان . کابل ،
[۱۳۳۷] .

تاریخ بدخشان : باهتمام آ. بولدیرف، لنین کراد، ۱۹۵۹
(چاپ عکسی) .

خنجی ، فضل الله بن روزبهان : مهماننامه بخارا ، باهتمام
دکتر منوچهر ستوده . تهران ، ۱۳۴۱ (انتشارات بنگاه ترجمه
و نشر کتاب ، ش ۱۴۰) .

رباعیات و دوبیتی های خلقی تاجیکی . [دوشنبه] ،
۱۹۵۸ .

رجائی بخارائی ، دکتر احمد علی : یادداشتی درباره لهجه
بخارائی . مشهد ، ۱۳۴۳ . (انتشارات دانشگاه مشهد ، ش ۸)
رحیمی ، م. و. : [لغت تاجیکی به روسی] . مسکو، ۱۹۵۴ .
روسی ، ابوالفرج : دیوان . باهتمام چاپیکین ، تهران .
۱۳۰۴ .

ستاد ضروریه : (انفاص قدسیه عبیدالله احرار ، رساله خواجه
عزیزان علی رامینی ، رساله انسیه یعقوب چرخي ، رساله قدسیه
بهاء الدین نقشبند نوشته خواجه محمد پارسا از فرموده خواجه
علاء الدین عطار ، نور و صوت خواجه عبیدالله معروف به خواجه
خرد ، پر نوعشق خواجه خرد) . دهلی مطبعه ، مجتبائی، ۱۹۲۴/۱۳۴۳ .

* - برای مآخذ دیگر به فهرستی که در کتاب قندیه آورده
شده است مراجعه شود .

سامی، عبدالعظیم : تاریخ سلاطین مغنیتیة . ترجمه و
ایضاخات ل . م . بیصفانوا . مسکو، ۱۹۶۱ (آثار ادبیات خلقهای
شرق ، متنها ، سری خرد ۱۴)

سیفالدین بن شاه عباس اخی کندی : مجموع التواریخ .
باهتمام ک . طاهر جان زاده . لنین گراد ، ۱۹۶۰ .
صفی (کاشفی) ، علی بن حسین : رشحات عین الحیات .
تاشکند . ۱۳۲۹ ق .

عینی ، صدرالدین : یادداشتها . ۴ جلد . [دوشنبه]
۱۹۵۹-۵۸ .

قندیة در بیان مزارات سمرقند . بکوشش ایرج افشار .
تهران ، ۱۳۳۴ (زبان و فرهنگ ایران ، ش ۹)
[معماری ازبکستان] : تاشکند ، ۱۹۵۹ . (بروسی ، مجموعه
تصاویر) .

معین الفقرا ، احمد بن محمد : تاریخ ملازاده . در ذکر
مزارات بخارا . باهتمام احمد کلچین معانی . تهران ، ۱۳۳۹ .
موله ، ماریژان (M. Molé) : نقشبندیات . فرهنگ
ایران زمین . ۶ : ۲۷۳-۳۲۳ (رساله راهنمای عقد گشای جلال
هروی ، سخنان خواجه پارسا از عبدالرحمن جامی ، انتساب طریقه
نقشبندیة ، رساله مرادان اثر صاحب زاده ، رساله ای دیگر از و)
و ۸ : ۷۲-۱۳۴ (ترجمة طالبین وایضاح سالکین محمدعوض بخاری) .

نوائی ، امیر علیشیر : Newā'is Biographien

Türkischer und zeitgenössischer Mystiker. Von C.

Brockelmann . Documenta Islamica Inedita Berlin, 1959.

pp. 221-249.

[مقدمه]

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله واصحابه اجمعين .
اما بعد اين كتابی است در بيان بنای ولايت^۱
سمرقند و در بيان سبب نام اين شهر به سمرقند و در بيان
طرح زمين و خاصيت هوا و چشمه ها و كوه ها و غارها و
مسجدها و مدرسه ها^۲ تعيين علامتهای مزارات و خاكجای^۳
بزرگان اين شهر، و اين كتاب را سمریه^۴ نام نهاده شد
وبالله الاستعانة والتكلان .

سمرقند شهری است قدیم، از اقلیم پنجم است. در
كناره معموره عالم افتاده و طوایف مختلف در اطراف^۵
آن مقام کرده اند . بنا بر آن آن شهر را محل تغییرات و
خرابی است .

علامتهائی که در تعیین مزارات اين ولايت^۱ صاحب
كتاب قنديه در كتاب خود ذكر کرده است در اين زمان
آن علامتها و نشانیها محو گشته و لوحها نیز نابود گشته،^{۱۵}

۱- خ : وىلايت (بهمين طرز كه لهجه صفحات سمرقندست

در سراسر كتاب استعمال شده است) . ۲- چ : «مسجدها و

مدرسه ها» ندارد . ۳- خ : خوالجای . ۴- خ : سمریه

۵- چ : اطراف و اكناف .

این کمینۀ مخلص به اسم [ملا] ابوظاهر خواجه سمرقندی
ابن اقصی القضاة ملا میرابوسعید خواجه، قاضی کلان
ولایت سمرقند بعد از تفتیش بسیار نشان خا کجای ایشان
را معلوم کرده غبار آستان ایشان را بدیده خود
توتیا^۱ کرده است می خواهد که علامتها و نشانهای ایشان
۵ را در این کتاب بیان نماید و آنچه از احوالات و مقامات
ایشان معلوم کرده است آن را در اثنای بیان مزار^۲
ایشان ذکر کند، شاید که زیارت کنندگان مزار
ایشان در حق این متحیر عاقبت کار دعای خیر نمایند.

۱۰ و این کتاب مشتمل است بر یازده باب :

باب اول - در بیان سبب نام این شهر به سمرقند.

باب دوم - [در بیان] آنکه اول این شهر را کدام

شخص بنا کرده است و عمارت آن از کیست؟^۳

باب سوم - در بیان خاصیت هوای این شهر در

۱۵ چهار فصل .

باب چهارم - در بیان وضع زمین و طرح اطراف^۴

۱- چ، خ، طوطیا . ۲- چ : مزارات . ۳- چ : و

عمارَت آن از که بوده است ؟ ۴- چ : اشراف .

این شهر .

باب پنجم - در بیان کوههائی که در اطراف این شهر واقع اند .

باب ششم - در بیان نهرها و چشمه‌های این شهر و اطراف آن .

باب هفتم - در بیان غارها و مغاکهای اطراف این شهر .

باب هشتم - در بیان خاصیت مسجدها و صفت مدرسه‌های این شهر .

باب نهم - در بیان علامتهای آن و نشانه‌های مزارات آن شهر و برجهای آن .

باب دهم - در بیان زیارت قبور و طریق آن .

باب یازدهم - در بیان عبرت از اهل گورستان و نصیحت دوستان .

خاتمه - در تعلیم آداب بر اهل این ولایت و تجربیات که لایق به این کتاب است .
والله الموفق والمعین .

باب اول

در بیان نام این شهر به سمرقند

اینجا چند وجه ذکر کرده اند .

وجه اول - در کتاب برهان قاطع آورده است
که ثمر نام شخصی در این زمین کینونت^۱ کرده در
اطراف خود مردم را جمع کرده بود . بنا بر آن این
شهر را در اول بنام « ثمر^۲ کیننت » گفته اند . وقتی که
لشکر عرب این شهر را فتح کرده اند به زبان ایشان نام
این شهر به « ثمرقند » جاری شده .

وجه دوم - اینکه در کتاب مسالك الممالك
آورده است که ثمر باقر (؟) نام پادشاهی از اطراف فرغانه و
ملك^۳ کاشغر درین ولایت آمده بنا بر خصومت که بر اهل
این ولایت داشت دیوارهای این شهر را کنده بنا بر آن
این شهر را « ثمر کند » نام نهادند و لشکر عرب وقتی که

۱- یعنی دشمنی . ۲- در برهان « سمر کند » است .

این شهر را فتح کردند ایشان [آن را] «ثمرقند» گفتند.^۱

وجه سیوم - این که در کتاب تاریخ طبری آورده است که ثمر نام پادشاهی این شهر را بنا کرد. «کند» نام يك جماعت از مردم ترك بود که اول در آن زمین جمع شده مقام کرده بوده اند. بنابراین نام این شهر در اول بنا «ثمر کند» بود که بعد از فتح لشکر اسلام او را «ثمرقند» گفتند.

وجه چهارم - این که در زمین^۲ این شهر چشمه ای است که ثمر نام شخصی کنده بود و مردم در اطراف آن چشمه جمع آمده مقام کرده بودند، بنابراین نام آن مقام به «ثمر کند» مشهور بود که عربان «ثمرقند» گفتند. در کتاب هفت اقلیم مذکور است که ثمر نام از اهل^۳ تبع یمن بود که دیوار همین شهر را کند و ویران کرد. چون عربان رسیدند «ثمرقند» گفتند. والله^{۱۵} تعالی اعلم.

۱- چ : اسم کردند .

۲- چ : يك موضع

۳- چ : ملك تبع .

باب دوم

در بیان اینکه بنای قلعه و عمارت اول آن از کیست؟

در کتاب آثار البلاد آورده است که اول بنای قلعه سمرقند را کیکاوس بن کيقباد عمارت کرده و ابتدای عمارت قلعه این شهر از کیکاوس است . گویند که گر شایب در آن زمین گذشت . از آنجا گنج بسیار یافت . آن را به عمارت قلعه آن صرف کرد و بار دیگر میان تر کستان و ماوراءالنهر دیوار کشید . صحیح این که آن دیوار را گشتاسیب بن لهراسب کشید .

و عمارت دویم از ملک تبع است و ملک تبع پادشاهی بود که در جانب ولایت یمن و عربستان بوده و این شهر را فتح کرده بوده است . ۱۰

و عمارت سیوم آن از ملک اسکندر است و ملک اسکندر بر دور قلعه سمرقند دیوار علی حده نهاد و آن

را الحال «دیوار قیامت» می‌گویند. سبب بنای این دیوار از ملك اسکندر است. وجه آن بوده است که در وقت خصومت لشکرها و جنگ پادشاهان مردمان اطراف این شهر به درون دیوار جمع آیند تا که اهل شهر و ایشان باهم پیوندند و بهمدد همدیگر در امن باشند. و در بعضی زمان مردمان باغ و حولی^۱ خود را به درون قلعه اسکندر بنا کرده اند.

و عمارت چهارم آن از امیر تیمور گورکان است.

نقل است که وقتی که فریدون تمام مملکت خود

- را میان سلم و تور و ایرج که هر سه پسران وی بودند ۱۰ تقسیم [کرد و هندوستان را به سلم انعام نمود] و توران زمین را به تور بخشید و ایران زمین را به ایرج تسلیم داد در میان مملکت تور و ایرج نهر جیحون را که آن را دریای آمویه می‌گویند معیار نهاد و خواست که از برای تور بنای قلعه انداخته از مهمات وی فارغ گردد در ۱۵

۱- چ: حویلی، هر دو وجه بمعنی خانه. بمعنی نواحی متصل

به پای تخت و شهر بزرگ هم آمده است.

زمین سمرقند نقش قلعه و دیوار قدیم در نظر او در آمد.
 [پس] بر بالای وی دیوار علی حده بنیاد نهاد .

و افراسیاب ترك وقتی که بر منوچهر پسر ایرج
 غالب گردید و توران را در تصرف خود در آورد همان
 مقام تور را عمارت کرده آنجا قرار گرفت . در^۱ بعضی
 کتاب^۲ نویسته^۳ که ثمر بن الحارث قلعه سمرقند را بنا
 کرده است .

۱- چ : «در» ندارد . ۲- چ : کتاب تاریخ
 ۳- کذا در اصل ، ظاهراً ضبط لهجه سمرقند و آن نواحی است .

باب سوم

در بیان هوای شهر سمرقند

در چهار فصل هوای این شهر نیکو و معتدل است ،
اصلاً سبب ثقل و کسل نمی گردد .

فصل بهار این شهر در خوبی نمونه‌ای از بهشت است
بنابر آن [آن را] سمرقند فردوس مانند می گویند . در
هر دشت بهشت نمودار و از قطعۀ هر صحرا گلستان ارم^۵
آشکار می گردد . در دامن هر دشت هزار رنگ گل^۱
طوفان [در] جوش و در نشیمن هر صحرا صد رنگ سبزه و
ریحان در آغوش ، باغهای بهشت ظاهر ساخته و بوستانهای
ارم و انموده است .

اما فصل تابستان این شهر در گرمی و سردی^{۱۰}
معتدل است . از هر طرف نسیم دلگشا و هوای فرح افزای
راحت به روح رسیده^۲ تازه می گردد .^۳

۱- کذا در «ج» ، ولی بقیاس عبارت «و» لازم دارد . خ : ندارد

۲- چ : رسانیده . ۳- چ : می گرداند .

فصل تیره ماه^۱ این شهر مایل به سردی است . از
جانب کوه شرقی درمیانه هر چند روز باد می وزد .

فصل زمستان این شهر بیشتر^۲ سرد است . در بعضی
سال برف تاسه و جب می افتد . هر مسافری که در اینجا میرسد
فرحناک می شود . ۵

لکن مردمان این شهر در شتخوی و بلند گوی و
مدعی اند و ترکان اطراف آن شجاع و دلیر و جنگجوی
می باشند .

از میوه ها خر بوزه و تر بوز و سیب و زرد آلو و شفتالو
۱۰ و آلوی بخاری و آلبالو و گردالو و انجیر و گیلاس و مورد و
ناشیپاتی^۳ و ناک و دل افروز و بهی و چهار مغز و انگور متنوعه و
زعرور - که آن را دالانه گویند - هر کدام از این انواع
به اصناف مختلفه درین شهر بالیده بهم رسد .

و از ریاحین بالنکو و زنجبیل و قلفور سرخ و گشنیز و
۱۵ شبت و ریحان و بادیان و بادیان رومی و زیره و پرده

۲- خ : بستر (کذا) .

۱- خ : تر ماه .

۳- خ : ناش باتو .

عروس بالیده می‌روید.

واز گلهای تماشا یگی^۱ [که] آن را در حوالی و
 باغها می‌کارند: گل سرخ که آن را ورد می‌گویند و گل
 نسرین و گل نسترن^۲ و ارغوان و لاله نعمان، و گل
 بنفشه کبود و بنفشه سرخ و سفید، و گل کاشغری سرخ و
 سفید و نافرمان و کبود، و گل داودی زرد و سفید، و گل
 چینی سرخ و سفید، و گل شبوی سفید و نافرمان، و گل
 ناظر حرم سرخ و سفید و زرد، و گل سوسن، و گل رعنا
 و گل زیبا، و گل حنائی یک برگ و صد برگ سفید و
 سرخ و گل خیر و یک برگ و صد برگ سفید و سرخ و
 سیاه، و گل تکمه‌ای سفید و سرخ، و گل بوستان
 افروز، و همیشه بهار، و عاشق پیچان، و عاشق مسکین،
 و گل ارغوان، و زلف خوبان، و گل نافرمان، و گل جعفری
 و گلهای دیگر، مجموع خوش‌منظر و دلگشا شکفته بهم
 رساند.

۱۵

۱- کذا در «خ»، چ: تمشائی

۲- چ: گل نسترن

ندارد.

و از داروها : کاسنی و شاتره و برنجاسف و گاوزبان و
 اتری هلال و اسفناج و ایگر و شیطرچ و عاقر قرحا و
 پودینه و جوانی و خارخسک و کبر و اسفند و قیجی و
 مخلصه و سورنجان و بادرنجان معصر^۱ و بقلة الحمق و
 سگک انگور و عناب از زمین آن شهر و اطراف آن
 می روید .

از غله : گندم و جو و جوار و ارزن و قوناق و
 ماش و شالی و زغیر و کنجد و نخود و لوبیا و اندود و
 برچاف و بنگدانه می روید ، و پنبه را در آن ولایت کمتر
 ۱۰ می کارند .

و از مصلحات طعام : سبزی و پیاز و شلغم و کرم و
 ترب و لب لبو در آن شهر نیکو می روید ، و این چنین
 خشخاش و تنباکو و قنب^۲ در آن سبز می شود .

باب چهارم^۱

در بیان وضع زمین

و طرح و اطراف آن شهر

عرصه اراضی سمرقند - حد شمالی و حد شرقی و حد جنوبی آن همه کوه بلند است و طرف غربی آن گشاده افتاده است .

و دریای زرافشان که آن را دریای کوهک می گویند از جانب شرقی بطرف غربی از میانه عرصه آن ولایت می گذرد و زمین آن را دو نیمه می کند . نیمه طرف جنوبی آن دریا سرتاسر بلند و دشت افتاده است [و] به کوه جنوبی می رسد و نیمه شمالی آن دریائی است و آبی افتاده .

و قلعه شهر سمرقند بطرف جنوبی دریاست و زمینهای برون شهر سمرقند به اعتبار موضع شهر

دو نیمه می شود: نیمه جانب غربی شهر سمرقند را تومان
انهار می گویند، و نیمه جانب شرقی شهر سمرقند را تومان
شودار می گویند.

وزمینهای طرف شمالی آن دریا دو حصه است:

۵ یکی زمینهای آبی و حصه دویم زمین دشت است.

حصه آبی سرتاسر به درازی دریای کوهك متصل

افتاده آن را به دو نیمه اعتبار کرده اند. نیمه شرقی را

تومان سفد کلان می گویند، و نیمه غربی آن را تومان

آفرین کینت می گویند.

۱۰ و اینچه حصه دشتی است آن را تومان کابدمی گویند

و این حصه دشتی سرتاسر به کوه شمالی پیوسته است.

و باغهایی که امیر تیمور گورکان بنا [کرده] و

ترتیب داده در سمرقند رشك گلستان ارم بوده است هفت

باغ است.

۱۵ اول- باغ شمال در طرف شمالی سمرقند، به دورن

دیوار قیامت افتاده است.

دویم باغ بلند، آن نیز در طرف شمالی است.

سیوم - باغ بهشت

چهارم - باغ چنار، این دو باغ بطرف شرقی شهر افتاده است .

پنجم - باغ دلگشا، آن در طرف کان گل افتاده است .

ششم - باغ زانغان، آن در طرف تومان شودار افتاده [است] .

هفتم - باغ جهان نما، آن در تومان انهار افتاده [و] قریب به دامن کوه جنوبی سمرقند بنا شده است .

۱۰

و کان گل [آن] موضع است که خلاصه و بهتر زمین شهر است [و] در لب دریای کوهک افتاده است .

باب پنجم

در بیان کوه‌هایی که

در اطراف ولایت سمرقند است

کوه طرف جنوبی این ولایت معمور و آباد است .
درخت‌ها در آن بسیار می‌روید .

از میوه سیب و پسته و آلو و زعرور و انگور و
چهار مغز در آن کوه بسیار است .

از گیاه لاله و ریواج^۱ و کرفس و بیروج^۲ که آن
را گیاه سگ کن^۳ گویند و پیاز عنصل و کرویا و
ایگر درین کوه یافت می‌شود .

و از حیوان خوک و خرس و گرگ و روباه و جره و
شغال یافت می‌شود .

و از صید کبک دری و کبک هلال درین کوه بسیار
است .

از معدنیات و کانیها درین کوه معلوم نیست . لکن

۱- خ : رواج ۲- خ : بیرج ۳- خ :
سگ سکون

در غربی این کوه سنگی به نظر رسد که طلای و حل اندود
می نماید و بعضی آن سیم و حل اندود می نماید و از آن
چیزی حاصل نمی شود و از نوع سنگ چقماق می گویند.
و از عجایب این کوه چشمه ای است که در زمستان
بغایت گرم است و در تحویل سرطان سرتاسر آب آن
چشمه یخ میکند.

و کوه طرف شرقی این ولایت نیز معمور و
آبادان است.

و از میانه کوه جنوبی و کوه شرقی دریای
زرافشان برون می آید و به دو طرف دریا از دو جهت
حولی و مسکن کرده نشسته اند. و مردم این کوه مدعی و
تکبر ناک [اند] و صورت خوب دارند.

هر چیزی که از حیوان و از گیاه در کوههای
جنوبی یافت میشود درین کوه یافت خواهد شد.

در میانه کوه شرقی در بالای آن کول است، آن را
کول اسکندر می گویند، منبع يك شاخ زرافشان بوده

است ، و دوری آن کور يك فرسخ است .
 اما در کوه شرقی آهو و گوزن و یوز بسیار است .
 و کوه طرف شمال این ولایت^۱ را کوه «خوددین»
 می گویند ، و در اول اسلام مردمان این کوه خودها مسلمان
 شده انقیاد به دین کرده اند . ۵

در اول اسلام مردمان^۲ این کوه دیوار بسته جنگ
 می کرده اند . ازین سبب زمینهای سفد کلان و اطراف
 آن کوه زمین عشری است که پادشاهان اسلام از حاصلات
 دور آن از ده حصه يك حصه می گیرند .

و درین کوه ها که بیان کرده شد چشمه سارها و ۱۰
 مکانهای دلگشا و موضعهای فرح فزا بسیارست ، و گیاه
 اکسیر^۳ درین کوه ها موجود است . اگر باخود تعلیق
 کند با ارواح مقابر مکالمه واقع شود .

اما کوهك آن کوه است که در میانه سمرقند و
 دریای زرافشان در طرف شمال شهر افتاده است . درین ۱۵

۱- اصل : ولایت . ۲- خ : در فتنه کافران تانار

به دور . ۳- خ : اکثر .

کوه درخت و چشمه است . در بهاران لاله رعنائی و بنفشه
سرخ و کبود درین کوه و باغهای قریب این کوه
می روید . و کان گچ درین کوه یافت می شود . گویند
که کان نقره و مس و سرب درین کوه می باشد . لکن دخل
آن به خرج وفا نمی کند .

۵

باب ششم

در بیان نهرها و چشمه‌ها که
در زمین این ولایت می‌باشد

نهر زرافشان که آن را دریای کوهک می‌گویند .
ابتدای آن از کوههای شرقی و بعضی از چشمه اسکندر
برون می‌آید و آن چشمه را «کول اسکندر» می‌گویند و
بعضی از آب آن از کوهستان مسجاء برون می‌آید و به ضم
یافتن آبها و چشمه‌ها دریا می‌شود و به زمینهای بخارا و
قراکول رسیده تمام خواهد شد . طول دریای کوهک
یکصد و بیست فرسخ است .

و نهر درغم ابتدای آن از دریای کوهک جدا میشود
و به درون شهر سمرقند و برون سمرقند و تومان شود و
تومان آنها صرف شده زیادتى آن به دریای کوهک همراه
می‌شود و باغها و بوستانهای شهر از همین نهر سبز و خرم است .

و جوی سیه آب ابتدای آن از جوشش چشمه‌های
 بسیار است تا به موضع کان گل می‌آید و از آنجا دوپاره
 میشود: یک حصه به دریای کوهک میرود و یک حصه دیگر
 دو شاخ میشود، و یک شاخ آن «آب رحمت» است که آن
 به باغهای طرف شمالی سمرقند که آن را «ماترید» و
 «باغ بلند» و «باغ میدان» می‌گویند صرف میشود.
 و گویند که «جوی آب رحمت» را امیر مهاجر
 در دامنه جنوبی کوه کوهک کنده جاری ساخته است.
 و امیر مهاجر امیری است که آن را قتیبه بغداد از فتح ولایت
 سمرقند حاکم نصب نموده بود.

نقل است که در ابتدای کنده استادان این جوی
 حضرت خضر علیه السلام به امیر مهاجر در سر این جوی
 ملاقات کرده اند و حضرت خضر علیه السلام از امیر مذکور
 پرسیده اند که «ماترید؟» یعنی «چه اراده^۱ می‌کنی^۲ تو؟»
 امیر مهاجر در جواب گفت «ما ارید» یعنی «آب را اراده»
 می‌کنم من. «از این جهت اول مکانی که از این آب سبزو

۱- اصل: ایراده. ۲- اصل: می‌کونی.

خرم شد آن را «ما ترید» نام نهادند .
 و بعضی این حکایت را به حضرت شیخ ابوالمنصور
 ساتریدی و حضرت خواجه خضر علیه السلام نسبت
 می کنند.

و عادت و رسم قدیم مردم این شهر است که در اخیر
 سال عجم ، شب دوشنبه آخر سال ، برب این جوی آب
 رحمت جمع می شوند و درین جوی غسل و طهارت
 می کنند^۱ و از آن آب جوی تبرک می گیرند .
 و دیگر چشمه مزار حضرت خواجه دانیال است و
 آن چشمه ای است در لب «جوی سیه آب» به بالای
 سر مزار حضرت مذکور است و آب این چشمه نیز متبرک
 است .

دیگر چشمه کرم سرد است و آن چشمه ای است
 که در دامنه کوهک است در طرف جنوبی مایل به شرقی
 آن در سمت کان کچ افتاده . آب این چشمه در زمستان
 بغایت کرم [و] در تابستان سردست^۲ .

۱- اصل : می کونند . ۲- این قسمت در دج نیست .

دیگر چشمه ناوه‌دان چشمه‌ای است که از بیرون شهر سمرقند از جانب جنوبی بیرون می‌آید و از پهلوی دروازه شهر که آن را دروازه حضرت خواجه احرار می‌گویند می‌گذرد و از میانه شهر گذشته به سیه آب می‌ریزد، و بعضی می‌گویند که چشمه‌ای که سمر عمارت کرده همین چشمه است.

و دیگر چشمه آب مشهد است و آن چشمه‌ای است بقدر دو میل دور از شهر و در طرف شرقی مایل به جنوبی شهر بیرون می‌آید و از ته دیوار قلعه شهر و قلعه افراسیاب گذشته به جوی سیه آب می‌رود و آن چشمه را ۱۰ مشهد از آن سبب می‌گویند که حضرت قثم^۱ بن العباس در لب همین جوی شهادت یافته‌اند و به قریب آن مدفون گردیده‌اند.

و نیز شهدای دشت قطوران در طرف شرقی بیرون شهر در لب همین جوی آسوده‌اند و عدد ایشان هفتاد هزار ۱۵ است که در محاربه سلطان سنجر ماضی و قراخطای در

اینجا به درجه شهادت رسیده اند .
و مردان خدا حضرت خضر علیه السلام را در لب
این چشمه بیشتر یافته [اند] .

باب هفتم

در بیان غارها و مفاکرها
که به صفت و خاصیت مشهورند

اول مفاک^۱ غار حضرت خواجه سنگ رسان است
که در خارج قلعه افراسیاب روی به روی ایشان افتاده،
حجره های پی در پی دارد و در بعضی حجرها استخوانهای^۲
آدمی بسیار است.

- دویم غار مسکین، آن غاری است که در پستی مزار
حضرت خواجه محمد سنگ رسان در طرف شمال آن
قریب به جوی سیه آب در زیر تل بلند افتاده و این غار را
حضرت شیخ خادم علیه الرحمة که از مشایخ ترك بوده اند
از برای صوفیان کنده مقام کرده اند. مزار ایشان
بقریب غار است. مقام فیض آثار و جای اولیا بوده است. ۱۰
سیوم غار پل محمد چپ و آن در خاکریز قلعه

۱- اصل: مفاکی. ۲- اصل: استخوانهای.

افراسیاب در غربی راه عامه که مردم از پل محمد
چپ که در بالای پل سیه آب است گذشته به موضع باغ
میدان و باغ بلند می روند .

چهارم غارخواجه دانیال است . آن غاری است
که در خاکریز قلعه افراسیاب در شرق مزار خواجه
دانیال است . مقام شریف است .

پنجم غار عاشقان ، آن [غار] در طرف شرقی قلعه
سمرقند و قریب به خندق قلعه است . آن غار را حضرت
مخدوم خوارزمی^۱ کنده از برای صوفیان ساخته اند .
۱۰ حجره های پی در پی دارد و بعد از وفات حضرت مخدوم
چند مدت قلندرخانه^۲ شهر سمرقند شده است .

ششم غار کوهک و آن غار در طرف شرقی کوهک
واقع است . نقل است ملا سکاکی تام شخصی در همین
غار ریاضت کشیده تسخیر مسخرات چهل اسم را نموده است .

۱- اصل : خوارزمی . ۲- اصل : خوانه .

باب هشتم

در بیان مسجدها و مدرسه‌ها

ذکر مسجد حضرت خضر علیه السلام

آن مسجدی است در برون شهر به طرف شمالی در بالای [قلعه] افراسیاب رو به روی دروازه شهر که آن را آهین و دروازه حضرت شاه نیز گویند افتاده است که اول مسجدی که در سمرقند بنا شد همان مسجد است. و امام قتیبه به اشارت حضرت خضر علیه السلام او را عمارت کرده است.

در يك روايت [آمده که] خشت اول بنا را حضرت خضر علیه السلام گذاشته اند و قبله او را صحابگان راست کرده اند، و بعضی می گویند که محراب آن را حضرت خضر علیه السلام راست کرده اند.

۱۰

نقل است که هر که چهل دو شب نماز بامداد را

در همان مسجد ادا کند به لقای حضرت خواجه خضر
مشرف گردد . در ایام سلطنت امیر المؤمنین امیر
مظفر پادشاه تعمیر علی حده یافت.

ذکر مسجد حضرت عبدالله بن عمر الخطاب

رضی الله تعالی عنهما مشهور به مسجد حضرت عمر

۵

و آن مسجد را مسجد کیود نیز می گفته اند . به
درون شهر در میانه عمارات قریب به مدرسه شیردار و
مدرسه طلاکار و مدرسه میرزا الوغ بیک افتاده است .
حضرت عبدالله بن حضرت عمر به حضرت سعد بن
عثمان مبلغ کثیری داده اند که هر شهری را که لشکر
اسلام فتح کند شما از این مبلغ به نام من مسجدی بنا
کنید ، و این مسجد از آن قبیل است . محراب او را
صحابگان راست کرده اند . منزل متبرک است .

۱۰

و بعضی این مسجد را مسجد امام عمر النسفی
می گویند . مزار ایشان در مقبره جا کردیزه در داخل
شهر سمرقند است .

۱۵

ذکر مسجد امام علم الهدی شیخ ابوالمنصور ماتریدی

به درون شهر قریب به دروازه شهر به قریب دیوار

قلعه بطرف شرقی شهر درمیانه قبرستان موضع جا گردیزه
افتاده است و در بالای سر مزار شیخ است. و در زمان
قدیم هر بلائی که درین شهر یا هرو بائی [که] نازل می شده
عابدان و عالمان و زاهدان شهر درین مسجد جمع شده
دعا می کرده اند و آن بلا و و بادفع می شده است. محل ۵
اجابت دعا و کشایش دل علما است.

ذکر مسجد خواجه ابوالفضل بلخی

آن مسجدی است که به درون شهر در برج شمال
غربی قریب به دروازه شهر که آن را دروازه پای قیاق
گویند افتاده است. درین مسجد دعا مستجاب است، ۱۰
منزل متبرک و مقام شریف است.

ذکر مسجد جورانیه

آن مسجدی است که به درون شهر درمیانه عمارات
شهر واقع است. در طرف شرقی شیردار افتاده است. بسیار
منزل متبرک و جای مجتهدان است. ۱۵

ذکر مسجد درزنجیر

آن مسجدی است که درمیانه عمارات شهر قریب

به مسجد علم الهدی امام ابوالمنصور ماتریدی افتاده است و جای مشایخ کرام بوده است . در تاریخ يك هزار و دویست و پنجاه^۱ این مسجد را عارف جان بای تاشکندی عمارت علی حده کرده به کچ و خشت پخته عمارت عالی ساخت .

ذکر مسجد جامع امیر تیمور گورکان

آن مسجدی است جامع در طرف شمالی به درون شهر ، قریب به دروازه حضرت شاه افتاده است . امیر تیمور گورکان بعد از فتح هندوستان نود و يك فیل همه زر و جواهر و سنگ قیمت بها از ملك هندوستان آورده است . و خواسته است که در شهر سمرقند فردوس مانند که پای تخت اوست مسجد جامعی بنا کند . در تاریخ هشتصد و يك استادان صاحب اقتدار و بنایان نیز کار را از اطراف عالم آورده جمع کرده مسجد جامع بنا کرد که صفاکاری صحنش روشن تر از دل آگاه و شرفات بلندش

۱- در همه موارد که اعداد تحریر شده و اعطف میان ارقام آحاد

و عشرات و غیره بسیاق نسخ ما وراء النهری و دستنویسهای قدیم دیده نمی شود ، اما ما به شکل امروزی در آورده ایم .

زیباتر از مقرنس کاری ماه ، کاشیهای فیروزه کونش
 [چون] آسمان لاجوردی رنگ و نقشهای پرزنگار
 آفتاب جلایش به گنبد نگارین چرخ همسنگ ، دروازه
 بلند آوازه اش به کلید آیت « ومن دخله کان آمنا »^۱
 واگردیده ، هر رواق بلند طاقش در برابر پیش طاق فلک
 قد کشیده . در بالای رواق گنبد جامع نوشته :

« امر هذه الجامع السلطان الاعظم امیر تیمور
 کورکان بن امیر ترغای در تاریخ احدى وثمانمئة » .
 در بالای دروازه جامع نوشته :

- « وفق فی اتمام هذه الجامع فی سنة ست وثمانمئة »^{۱۰}
 ومدت پنج سال این عمارت بی مثال از خاقان
 صاحب اجلال کمال یافته است . دروازه این جامع را
 دو طبقه از خوله ریخته اند . استادان سحرکار در آن
 طرح مداخل و نقشهای شیرین شمایل به نوک قلم فولادی
 کشیده اند . این دروازه در ایام خرابی ولایت ضایع^{۱۵}
 کشته است .

در بالای دروازه جامع این بیت نوشته اند :
 در کف خلق همه مکرو فریب است و هوس
 کار در گاه خداوند جهان دارد بس

ذکر مدرسه جامع میرزا الوغ بیک بن شاه رخ
 که پسر جای نشین امیر تیمور است

۵

میرزا الوغ بیک فرزند نخستین میرزا شاه رخ
 است . تولد او در روز يك شنبه نهم [شهر] جمادی
 الاولی^۱ در سنه هفتصد و نود و شش بوده است که میرزا
 شاه رخ بعد از پنج سال از وفات پدر خود امیر تیمور
 ۱۰ گورکان از هرات به سمرقند آمد . سلطان خلیل ولد
 میرزا میرانشاه برادرزاده خود را عزل نموده میرزا
 الوغ بیک پسر خود را به ولایت سمرقند به تخت نشاند و
 میرزا الوغ بیک بعد از شانزده سال از ابتدای حکومت
 خود در سنه هشتصد و بیست و سه این مدرسه را بنا
 ۱۵ فرمود .

این مدرسه به درون شهر سمرقند قریب به درون
 شهر [در] ارک عالی افتاده است . هیأت کوه شکوهش

سکون از استخوان بنای افلاکش ربوده ، پیش طاق
 عظمت نشان رفعت توأمانش از گرانی زلزله در پستی
 زمین افکنده . شرفات عالی درجانش را استاد قدرت با
 مقرنس کاری ایوان کیوان به یک دستور بسته و کاشیهای
 لاجوردین کاریش را نقاش قضا به انجم سیمین فلک طرح
 مداخل انداخته .

و این مدرسه عالیّه دو آشیانه بوده است ، در هر
 رواقی یک حجره و در هر حجره دو شخص از اهل طلبه بوده
 است . در ایام خرابی سمرقند بعضی از حاکمان جماعه
 اوزبکیه آشیانه بالای آن مدرسه راسر کوب ارگ عالی
 گفته ویران کرده است . الحال یک آشیانه میباشد .
 وبعد از تمام شدن این مدرسه ، میرزا الوغ بیگ
 قاضی زاده رومی را در آن مدرسه مدرس نموده و خود میرزا
 الوغ بیگ نیز در آنجا درس می گفته ، و بعد از چهار سال از
 تمامی این مدرسه میرزا الوغ بیگ در تاریخ هشتصد و سی و دو
 به اتفاق قاضی زاده رومی و مولانا غیاث الدین جمشید و مولانا
 معین کاشی و مولانا صلاح الدین موسوی در دامنه کوهک

در لب جوی آب رحمت ^۱ رسید^۱ بر بست و بر اطراف رصد
حجره های عالی ترتیب داد و در پایان تل رصد چهار
باغ خوب و چینی خانه^۲ آراسته کرده اکثر اوقات در
آنجا می بود، است. در اثنای عمل رصد آن علمای کبار
که مذکور شدند از دنیای فانی به ملک جاویدانی
انتقال نمودند و بعد از انتقال ایشان به مشورت علامه
قوشچی رصد را تمام ساخت. در تاریخ هشتصد و چهل و
یک وضع رقم زیج گورکانی را که در میانه منجمان اعتبار
دارد در صفحه روزگار نوشته مستقیم گردانید.

۱۰ از میرزا الوغ بیگ دو پسر به وجود آمدند. اول
میرزا عبداللطیف، دویم میرزا عبدالعزیز. عبداللطیف
پدر خود را در تاریخ سنه هشتصد و چهل و یک بود که
به قتل رسانید و میرزا عبدالعزیز را پیش از پدر به دو
روز کشت، و بعد از شش ماه میرزا عبداللطیف را که
۱۵ از «باغ چنار» به شهر سمرقند می آمد در اثنای راه بابا
حسین نام شخصی از نمک خورده های میرزا الوغ بیگ بود
نیز او را کشته سر او را در پیش طاق مدرسه میرزا الوغ

بیگ پدرش آویختند . قبر میرزا الوغ بیگ به درون
کنبد جد خود امیر تیمور کسورکان است . در مجلس
ان شاء الله معلوم کرده میشود . این بیت از زاده طبع میرزا
الوغ بیگ بوده است .

- ۵ ای آنکه ملک حسن به زیر نگین تست
شوخی مکن که چشم بدان در کمین تست
در تاریخ هشتصد و پنجاه و سه از تخت عزت
به تخته خاک مذلت آرمید^۱ و پنجاه و هفت سال عمر یافته
بوده است .

- ۱۰ ذکر مدرسه خان شهید محمد شبانی خان ۲
ابن شاه بداغ سلطان ولد ابوالخیر سلطان

- آن خان عالی شان از اولاد جوجی خان بن چنگیز خان
است [و] آن مدرسه ای است که به درون شهر سمرقند
در غن بی راه عامه [که] مردم به مزار حضرت شاه می روند
افتاده است . قبر خان شهید در صفه ای است که در میانه^{۱۵}
این مدرسه است . بنای این مدرسه از مهد علیا زوجه

۱- اصل : آرامید . ۲- اصل : خوان .

محمد تیمور ولد محمد شیبانی خان است . وقتی که محمد تیمور سلطان جسد خان را در آنجا دفن کرد این مدرسه به نام خان شهرت یافت . در وقت خرابی ولایت سمرقند این مدرسه خراب و بتر شد .

۵ دفعه دویم به فرمایش محیی السنته حضرت امیر معصوم پادشاه غازی اوقاف آن جاری کنایند تعمیر علی حده کرد . الحال محل تدریس و جای استقامت اهل علم است .

ذکر مدرسه قدوة الفضلاء جناب قاضی سامی

علیه الرحمة

۱۰ این مدرسه به درون شهر در طرف برج جنوبی غربی امیر تیمور افتاده بوده است . مشارالیه در وقت حکومت امام قلی خان ، قاضی القضاة شهر سمرقند بوده است و بنای این مدرسه از آن پیشوای علما است که در تاریخ يك هزار و بیست و يك واقع شده . در وقت خرابی سمرقند آن مدرسه بکلی تلفا^۱ شده الحال نشان از آن باقی نیست .

ذکر مدرسه سید احمد خواجه

این مدرسه به درون شهر سمرقند در طرف جنوبی
 خان شهید محمد شیبانی خان افتاده بوده است و این مدرسه
 از سیادت پناه در تاریخ یک هزار و چهل و هفت در ایام
 سلطنت امام قلی خان بهادر خان واقع شده و قبر آن
 سیادت پناه به درون آن مدرسه بوده است و در ایام خرابی
 ولایت سمرقند این مدرسه خراب و بتر گردیده [بود].
 جناب محیی السنه استاد العلماء حضرت امیر المؤمنین
 میر حیدر پاشا که مشهور به امیر سعیدند وقف آن را
 جمع کرده بطرف شمالی قبر خواجه مذکور مدرسه
 خود تعمیر کردند. الحال محل تدریس و جای طلبه علم
 است.

ذکر مدرسه شیردار

این مدرسه رو بروی مدرسه میرزا الغ بیگ در
 طرف شرقی آن افتاده است. بنای این مدرسه از میر
 ولایت پناه یلنکتوش بی اتالیق است و یلنکتوش بی از
 جماعه آلچین بوده است. در تاریخ یک هزار و بیست و هشت

این مدرسه را بنا کرده . طرفه مدرسه‌ای که از بزرگی در ظرف خیال ننگینجد و از عظمت کوه پیکری را در وصف و بیان در نیاید، و از عجایب آن که تاریخ بنای این مدرسه « یلنکتوش بهادر » دریافته شده است .

ذکر مدرسه جامع طلاکاری

۵

و این مدرسه‌ای است که در طرف شمالی مدرسه میرزا الوغ بیگ و مدرسه شیردار و قریب به آن دو افتاده است . نماز جمعه را در آن جامع طلاکاری الحال می خوانند و بانی این مدرسه نیز میر یلنکتوش بی اتالیق است که بعد از [ده سال] اتمام مدرسه شیردار در سنه يك هزار و پنجاه و يك تمام یافته است . در سنه يك هزار و دو صد و سی و چهار که پیش طاق آن از حرکت و جنبیدن زمین ساقط شده افتاده بود به فرمایش همایون حضرت امیر سعید نور مر قده آن را عمارت علی حده کردند .

ذکر مدرسه قطب الاخیار غوث الابرار

۱۵

خواجه ناصر الدین حضرت خواجه عبیدالله

احرار قدس سره

این مدرسه‌ای است به درون شهر سمرقند در

جانب جنوبی شهر در غربی راه عامّه که مردم به دروازه شهر که آن را سوزنگران گویند می روند، واقع است. و حضرت ایشان را با اهل علم و علما کمال محبت بوده است. از این سبب برای اهل علم در آنجا مدرسه عالی بنا کرده اند و این مدرسه در خرابی سمرقند ۵
 ابتر و ویران شده، جناب محیی السنه امیر معصوم غازی خستهای مدرسه جامع عليك کوکلتاش را که در طرف جنوبی مدرسه میرزا الغییک بوده و ویران و ابتر شده^۱ بوده است به فتوای علماء دین آورده مدرسه عالی حضرت خواجه احرار را عمارت کرده وقف آن را ۱۰
 جاری کرده اند. الحال این مدرسه محل تدریس است.

ذکر مدرسه عالی

این مدرسه ای است که به درون ارگ عالی سمرقند است رو بروی تخت پادشاهی که آن را کوکلتاش می گویند، افتاده است و این مدرسه را جناب محیی السنه ۱۵
 امیر حیدر پادشاه عمارت کرده. در سنه یک هزار و

دو صد و بیست و هشت اتمام یافت .

ذکر مدرسه قاضی غفور علیه الرحمة

و این مدرسه ای است که به درون شهر سمرقند
به طرف شرقی شهر در میانه عمارات افتاده است . در خرابی
سمرقند این مدرسه اَبَر و ویران شده به فرمایش جناب
مُحیی السَّنة حضرت امیر المؤمنین سید امیر حیدر پادشاه
در طرف جنوبی مدرسه هفت عدد حجره بنا یافت . الحال
محل تدریس است . ۵

ذکر مدرسه نذیر محمد دیوان بیگی

که مشهور به مدرسه شیردار بیرون است

آن مدرسه در طرف شمالی سر مزار فیض آثار
حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار قدس سره
افتاده . نذیر محمد دیوان بیگی از جماعه ارلات است و
تغای امام قلی بهادر خان است . پادشاه بخارا بوده است .
مزد خیر دوست و نیک خواه و مخلص بزرگان بوده است . ۱۴
این مدرسه کثیر البر که را در سنه یک هزار و چهل عمارت
کرده بوده است . بسیار مدرسه عالی و منقش و زیباست و در ۱۵

پیشگاه آن خانقاه وسیع رفیع عمارت بلند کرده و در
آن منبر نهاده ، سکانان دورمزار شریف حضرت خواجه
در آنجا نماز می خوانند . الحال آن مدرسه محل تدریس
و مقام اهل علم است .

باب نهم

در تعیین علامتهای مزارات کثیر البرکات
بلده سمرقند و نواحی آن و
بیان نامهای آنها و اوصاف مشهوره آنها

ذکر مزار فایض الانوار حضرت شاه

نام مبارک ایشان قثم بن عباس است و مزار ایشان
در بیرون قلعه سمرقند به طرف شمالی به درون قلعه
افراسیاب است. حضرت قثم پسر حضرت عباس رضی الله
عنه بوده اند و حضرت عباس به حضرت محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم عمک بوده اند. ۵

در کتاب تهذیب الاسماء و در کتاب اصابه و تمیز
صحابه آورده است که حضرت عباس رضی الله عنه را ازیک
زن چهار پسر بود. ۱۰

اول حضرت فضل که مزار ایشان در ولایت شام در

موضع یرموک است .

- دویم عبدالله که قبر ایشان به مدینه منوره است .
 سیوم حضرت قثم ، از جمله غاسلین حضرت رسول الله
 بوده اند . بر يك روايت در وقت وفات حضرت صلى الله
 عليه وسلم هشت ساله بوده اند و به حضرت رسول الله
 به صورت و به سیرت^۱ مشابه و مانند بوده اند . و حضرت قثم
 در زمان خلافت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه در
 بلدۀ مبارك به نصب و تعیین حضرت امیر المؤمنین علی
 رضی الله عنه حاضر بوده اند . بعد از شهادت حضرت امیر
 رضی الله عنه در زمان خلافت حضرت معاویه بن ابوسفیان
 به فرمایش حضرت معاویه از تعاقب سعید^۲ بن حضرت عثمان
 رضی الله عنه از جمله سرداران حضرت معاویه بوده اند و بعد
 از عزل عبید زیاد منصوب به حکومت خراسان بود به جانب
 ولایت^۳ ماوراءالنهر آمدند . وقتی که بلدۀ سمرقند را
 حضرت سعید^۲ بن عثمان به صلح فتح کردند و اهل آن را

۱- اصل : سیرت . ۲- اصل : سعد .

۳- اصل : ولایت .

مسلمان کردند حضرت قثم رضی الله تعالی عنه را با چندی
 از لشکر اسلام در سمرقند از برای استیلا بر کام دین و
 اجرای احکام شریعت گذاشته اند. در سنه پنجاه و شش
 و به قولی پنجاه و چهار کافران در شهر به ایشان
 هجوم آوردند، در نمازگاه شهر سمرقند به مقتل
 ایشان رسیده مقتول گردیده اند و جسد ایشان را در
 قبرستان بنوناجیه در پهلوی غار مدفون ساختند و
 اصح آن است که در اثنای جنگی که حضرت سعید بن
 عثمان به مردم سمرقند داشته اند در مقتل ایشان تیر رسیده
 شهادت یافته اند و در همان قبرستان مدفون شدند. مقتل
 یعنی محل قتل بیش کردند (۹)

علامه عینی در کتاب [شرح] صحیح بخاری تصریح
 کرده است که صحیح آن است که قبر قثم بن عباس در
 سمرقند است، بقریب دروازه آهنین در قبرستان بنوناجیه
 است. ۱۵

و ابو عبد الله در تاریخ نشابور ذکر کرده است که

صحیح آن است که حضرت قثم فوتیده اند به سمرقند و مدفون شدند به سمرقند.

- و روایت دیگر آن است که قثم در موضع شیرین کینت به درجه شهادت رسیدند و جسد مبارك ایشان را از دریای کوهك گذرانیده آورده اند در همین قبرستان مذکور ۵ دفن کردند و در زمان سلطان سنجر ماضی در آن قبرستان بنای مدرسه کردند و آن مدرسه را قثمیه نام نهادند و آن مدرسه در بالای تل خندق قلعه سمرقند در طرف غربی جوی آب مشهد و قریب بر آن بوده است. الحال نشانی از آن مدرسه باقی نیست.

۱۰

- در ایام دولت امیر تیمور گورکان مزار فیض [آثار] ایشان عمارت و زینت یافته است. مستور گمان عصمت دولت او از خاتونان و خواهران و بعضی امیران از برای خاکجای خودها مکانی را در آن آستان ملایك پاسبان اختیار کرده عمارت عالی بنا نهاده اند که تافلك لا جوردی ۱۵ دیده تماشایی به روی روزگار کشاده این چنین عمارت زیبا و مزین ندیده و تا چرخ مفرس فیروزه رنگ از ماه

و خورشید چشم واکرده بدین رنگ کاشیهای میناکاری
تماشا نکرده . از دیدنش دیده‌ها مزین و از تماشايش
چشمها مرصع میگردد .

معلوم بوده باشد که این بندهٔ خاک راقم حروف
این رساله از اتفاقات حسنه یوم پنجشنبه وقت چاشت
شانزدهم شهر جمادی الاولی^۱ در سنهٔ يك هزار و دوصد و
پنجاه و يك بعد از شرف دریافت زیارت مزار فایض الانوار
عمزادهٔ رسول مختار حضرت شاه رضی الله تعالی عنه سیر
عمارات و کتیبهٔ مسجد و میان سرای و گنبدها نمود .

از آنچه معلوم کرده را در ورق نوشت و اینجا
نوشت بسبب آنکه مبدا بسبب تبدیل زمان آنها از نظر
ناپدید کردند ، در علم باقی ماند ؛ « فاعتبروا یا اولی
البصار »^۲

بدانند که عمارت مسجدهای روضهٔ ایشان در
سنهٔ هفتصد و سی و پنج تمام شده است و کتیبهٔ سنهٔ آن
به درون گنبد ظاهر است .

۱- اصل : الاول . ۲- اصل : الالباب .

اما تاریخ مسجد کلان محو [و] ناپدید شده. در بالای دروازه آن از طرف میان سرای طولانی در یک جای نام سلطان احمد و در طرف دیگر آن نام سلطان ابوسعید نوشته. بعضی قیاس می کنند که سلطان ابوسعید که قبل از ایام سلطنت امیر تیمور بوده است عمارت کرده باشد. در تاریخ اتمام دروازه کننده کاری که در میان سرای طولانی است سنه هفتصد و هشت نوشته اند. کتیبه آن در بین دروازه الحال ظاهرست و در محوطه^۱ شمالی که میان سرای طولانی و بروی زینه ها افتاده است یکی بطرف محوطه آن گنبد دخمه تومان آغابنت ۱۰ امیر عادل بن امیر موسی افتاده است. تومان آغا حرم محترم امیر تیمور گورکان است.

و در طرف شمال آن دخمه احمد خواجه افتاده است. و در طرف شرقی آن گنبد دخمه قتلغ آغا افتاده است. وی نیز از جمله حرم محترم اوست. و در تاریخ اتمام ۱۵ گنبد دخمه تومان آغاسنه هفتصد و شصت دو بوده است که

به دیوار آن ظاهر است .

و در یلی زینه ها از طرف بالا چهار گنبد افتاده
 است ، دو گنبد بطرف غربی راه و دو گنبد دیگر
 بطرف شرقی راه افتاده است . آن دو گنبد غربی که
 متصل همدیگر است یکی دخمه امیرزاده است که
 تاریخ اتمام آن سنه هفتصد و نود و نه نوشته اند که
 در رواق آن ظاهر است ، و دیگر دخمه ترکان آغا بنت
 امیر ترغای است که خواهر امیر تیمور گورکان بوده
 است و تاریخ اتمام سنه هفتصد و هفتاد و سه بوده است که
 در رواق آن ظاهر است . و وفات آن در سنه هفتصد و هشتاد و
 پنج بوده است .

و آن دو گنبد که در طرف غربی مزار افتاده است
 یکی روبروی گنبد ترکان آغا است و آن دخمه شیرین
 بیکه آغا بنت امیر ترغای است که آن نیز خواهر
 امیر تیمور است . تاریخ اتمام آن گنبد سنه هفتصد و هشتاد و
 هفت بوده است که نیز در رواق آن ظاهر است .
 دیگر گنبد دخمه امیر حسین است که روبروی

گنبد امیرزاده افتاده است ، تاریخ اتمام آن سنهٔ هفتصد و هفتاد و هفت است [و] در کتیبهٔ رواق آن ظاهر است .

در تاریخ مولانا شرف الدین علی یزدی نوشته که

- در سنهٔ هشتصد و یک امیر تیمور گورکان از هندوستان
مراجعت نموده که در شهر شعبان در گوشهٔ باغ دلگشا
نزول فرمود . روز ششم شعبان در شهر سمرقند در آمد .
روز هفتم آن به زیارت [مزار] فیض رسان قثم بن عباس
رضی الله عنه تیمن و تبرک جست و از آنجا به خانقاه تومان آقا
که در مقابلهٔ دروازهٔ مزار شریف است قدم رنجه فرمود .
۱۰ نماز پیشین را آنجا گذاشته به باغ چنار رفت و از آنجا
به باغ بهشت خرامیده ، روز دیگر به باغ بلند آمد و
این سخنها را در آن کتاب در ذکر بیان مسجد جامع و
بیان عمارت مسجد جامع در همان فصل آورده است .
۱۵ اما عمارت مسجد و میان سرای و حجره ها که در
پایان زینه ها دریلی راه عام افتاده است ، آن را میرزا
الوغ بیك تعمیر کرده است . تاریخ اتمام آن سنهٔ

هشتصد و سی و هشت مرقوم است که در کتیبه رواق میان
سرای ظاهر است .

و نیز در پایان زینه‌ها در طرف شرقی مدرسه ای
است که این مدرسه را در ایام دولت امیرحیدر پادشاه
نایب السلطنه و معتمدالدوله آن خاقان صاحب‌الشان دولت
قوشبیک در سنه یک هزار و دوصد و بیست و هشت بنا کرد .
اما زیارت مزار فایض الانوار شهزاده قثم را در
احوال اهل دل تصرفهای عجب^۱ است . پادشاهان خاک
این منزل^۲ شریف را در دیده خودها توتینا^۳ کرده ، چشم
به روی دولتهای ابدی نموده آمده‌اند . به تجربه رسیده
است که هر بی باکی و ناپاکی از دور و نزدیک به مزار
ایشان شود حضرت حق سبحانه و تعالی در اندک فرصت او را
به بلایی گرفتار نموده است و نابود کرده است .

مزار حضرت شیخ الاسلام ابوالحسن و

مزار ابونصر قصاب و مزار امیر خراسان

۱۵

این جمله در پشته مزار حضرت ایشان [است] .

۱- چ : عجیب ۲- اصل : منزیل ۳- خ : طوطیا

الحال لوح و نشان ایشان مفقود است ، رحمة الله تعالى
عليهم اجمعين .

مزار فیض آثار محمد بن هالك اذر

مزار ایشان درخا کرینز قلعه افراسیاب در یلی
جوی آب مشهد است . میان مزار ایشان و جوی مشهد
راه عامه واسطه افتاده است . مشهور آنکه ایشان از
یاران حضرت شاه اند و احوالات ایشان پوشیده است ،
والله اعلم .

مزار فیض آثار حضرت خواجه ابوالحسن

مزار ایشان در پشت دیوار غربی مسجد حضرت
خضر علیه السلام و قریب بر آن است و از سنگریزه ها
نشانی طولانی به بالای قبر ایشان ریخته اند . برکات مزار
ایشان ظاهر است .

مزار فیض آثار خواجه محمد سنگ رسان

نام ایشان خواجه حموی ، غربی قلعه افراسیاب
به برج شمالی است .

نقل است که ایشان از اصحاب حضرت شاه بودند

و در جنگی که [بین] اسلام و بین کفار واقع شده است
ایشان سنگ می‌رسانیدن . در بلندی قریب به مزار
ایشان مسجدی است و در پایان آن مسجد صومعه‌ای
است که مقام اهل الله بوده است و [در] قبرستان ایشان
اولیای خدا بسیار بوده است . ۵

مزار خواجه محمد فضل بلخی در اینجا است .
از بلخ به سمرقند آمدند . وی را قاضی کردند . بعد از
آن به حج رفت . باز به سمرقند آمد . وفات وی در سنه
سیصد و نژده [است] .

۱۰ و محمد بن نصر مروزی و محمد بن [سعید] بخاری
و خواجه محمد ولید همه درین پشته^۱ است که نشان
ایشان محو گشته .

و مزار حضرت سید احمد و خلیفه ایشان مولانا
شمس الدین اوزگندی در همین قبرستان قریب به دروازه
۱۵ پای قپاق است . هر دو بزرگوار به بالای صفت طولانی
آسوده اند و ایشان از حضرت مشایخ ترك بوده اند .

حدّ غربی قبرستان خواجه محمد سنگ رسان
جوی ناوه دان است که آن چشمه ازدرون شهر سمرقند
برآمده به سیه آب می رود، وحدّ شمالی آن جوی سیه آب
است، وحدّ شرقی آن خندق قلعه افراسیاب است، وحدّ
جنوبی آن خندق قلعه شهر سمرقند است . ۵

تمام همین عرصه همه خاکجای عزیزان و مسلمانان
است و تلچپه هائی که در صحن این عرصه است همه آثار
سقایه^۱ است که عمارات آن محو شده است .

و در تحت خاکریز برج غربی شمالی قلعه افراسیاب
[قبری است که آن] مزار بنده خاتون است و آنجا ۱۰
صومعه ای بوده است که آن را صومعه مسکین می گفته اند .
الحال هر دو محو [و] ناپدیدست .

و در زیر تل رفیع که قریب به جوی سیه آب
افتاده آن را غار مسکین می گویند .

۱۵ مزار حضرت عزیزان خاد ۲۴ شیخ

در طرف شمالی آن غارست و ایشان از مشایخ

۱ - خ : سفینه (؟) . ۲ - خ : خادیم .

ترك بوده اند و در كتاب « لمحات » بتفصيل مذکور است.
 زیارت مزار ایشان قوی الاثر است و در پستی مزار بنده
 خاتون به قریب سیه آب است. و در آنجا چشمه ای است
 که آب آن را تبرک می گیرند. نظم :

چشمه که می جوشد ازین خاکدان

اشك مقيمان ته خاك دان

ذکر مزار فیض آثار محله غاقر

آن را کوی غاقر^۱ نیز گویند. آن محله ای است که
 در بیرون شهر سمرقند در مقابل برج غربی شمال ارک
 افتاده است. اینجا مزاری است که مردمان زیارت
 می کنند. می گویند که قبر حضرت خواجه یوسف
 همدانی است.

حضرت مولانا عبدالرحمن جامی در کتاب
 « نفحات الانس » صریح^۲ کرده اند که مزار [فیض آثار]
 ایشان در ولایت مرو است و مزار حضرت خواجه ابوالفوارس
 بغدادی در اینجا است، و ایشان [از] اولیای بزرگ بوده اند.

۱- خ : غاقر. ۲- کذا در «خ».

و نیز مزار امام لامشی و مزار عمر بن احمد مرغانی و
 تربت خواجه اسکندر دارمی^۱ و مزار خواجه زین الدین
 دمشقی ، این جمله در همین محله است .

و اینجا تلی است آن را تل طغان^۲ می گفته اند و
 مزار حضرت شیخ شمس الائمہ حلوایی نزدیک آن تل^۵
 بوده است .

و تربت خواجه درویزه گرو خواجه موی تاب نیز
 اینجا است .

و متصل به تل طغان اینجا تلی است که آن را مقربان
 گویند و خواجه غافری درین تل آسوده اند ، الحال^{۱۰}
 نشانها و لوحهای ایشان محو است و از کتابهای قدیم و
 از مردمان قریه معلوم کرده شد .

و به درون [سرای] جوی برسرپل خشتین که
 مردم بطرف نوباغ می روند عزیزی آسوده اند ظاهر الفیض و
 قوی الانوارند . ترکان ایشان را سای لیک اتامی گویند و^{۱۵}
 بعضی سوالیک اتامی خوانند .

ذکر مزارات صاحب البرکات
که به درون ارگک سمر قند است
اول مزار حضرت قطب چهاردهم

نام ایشان حضرت شیخ نورالدین بصیر است. از ایشان
پرسیده اند که قطب در زمان شما کیست؟ ایشان فرموده اند
که برادر ما عبدالله قطب سیزدهم است، ما قطب چهاردهم.
از این جهت ایشان را قطب چهاردهم می گویند. حضرت
ایشان را «بصیر» ازین جهت می گویند که با وجود آنکه
[کور] مادر زاد بوده اند به نور ولایت بر جمیع مبصرات
بینا بوده اند. ۱۰

و حضرت ایشان در میانه اقطاب بمانند بدر که ماه
چهاردهم است بوده اند. بنا بر آن ایشان از خود به قطب
چهاردهم تعبیر کرده اند.

حضرت ایشان خلیفه حضرت شیخ زین الدین
کوی اعارفانی بوده اند، و نظر قبول از ایشان یافته تربیت
کرده ایشان بوده اند، تا که مرتبه کمال و تکمیل یافته
و به اشارت غیبی از حضرت مرشد خود اجازت یافته

همراه والدۀ خود از نوش کنت به ولایت سمرقند آمده‌اند . نوش کنت و کوی عارفان هر دو از قریه‌های ولایت^۱ تاشکند است .

وقتی که حضرت ایشان به ولایت سمرقند آمده‌اند

- ۵ در کوی چوپانان در لب چشمۀ ناوه‌دان در مسجد سبزرنگ که آن را مسجد کبود و ترکان کوك مسجد می‌گویند اقامت نمودند و در آن جا توطن اختیار نمودند و ذکر را به روش^۲ طریقه جهریه می‌گرفته‌اند و خلق بسیار را از درجه بعد به درجه قرب رسانیده‌اند . در تاریخ سنۀ سشصد و چهل و شش وفات یافته‌اند و جسد مبارک ایشان را ۱۰ در لب جوی چشمۀ ناوه‌دان دفن ساخته‌اند .

نقل است که مزار متبرک ایشان در لب جوی چشمۀ

ناوه‌دان در بیرون ارگ بوده است .

امیر تیمور گورکان از حضرت شیخ ابوسعید بن

- ۱۵ حضرت شیخ برهان الدین ساغرچی در کار خود طلب امداد نموده بوده است . حضرت شیخ ، امیر تیمور را

به زیارت حضرت شیخ نورالدین فرموده است . بنا بر فرموده ایشان امیر تیمور مزار حضرت ایشان را که قطب چهاردهم اند به درون ارگ سمرقند داخل ساخته عمارت عالی در بالای ایشان تعمیر کرده ، به بالای گنبد ایشان قبه طلا نهاده است .

زیارت مزار ایشان در اجابت دعا و حصول مقاصد تأثیر تمام دارد . امیر تیمور در شبها به دور مزار ایشان می گشته است :

بیت

۱۰ کار نه این گنبد گردان کند

هر چه کند همت مردان کند

ذکر مزار امام فخر الاسلام علی پزدوی

مزار ایشان نیز به درون ارگ سمرقند است ، به صحن مسجد و زیر است و قریب به مزار قطب چهاردهم افتاده است . نام پدر امام مذکور حسین است . کتاب « مبسوط » ۱۵ که مشتمل برده مجلد است و کتاب « شرح جامع الصغیر » و کتاب « اصول پزدوی » را او تصنیف کرده است .

- آورده اند که در زمان امام، عالمی در مذهب شافعی آمد. هر جا که علمای حنفی بود وی غالب آمده در مذهب شافعی در آورد. علما بر امام هجوم کردند تا واعظان را بکوبند^۱. امام خود را بر آن نیاورد. و علما الحاح کردند تا وی مجلس داشت. وی در مدح امام شافعی گفت که در يك ماه قرآن حفظ کرد. امام گفت این سهل کار است. درشش ماه متداوله واقف توان شد. بعد از شش ماه از هر کتاب که می پرسیدند بر وجه تفصیل از یاد می خواند. آن عالم شافعی عاجز بماند.
- و نیز می آرند که امام را با حجة الاسلام زین الدین^{۱۰} ابو حامد محمد بن [محمد] الغزالی صحبت شد. حجة الاسلام صاحب کتاب «احیاء العلوم» است و تفسیر «یا قوۃ التاویل» را که مشتمل بر چهل^۲ مجلد است او تصنیف کرده و هم کتاب «مشکوة الانوار» از مؤلفات اوست. و حجة الاسلام بر حلیت گوشت اسب بر امام دلیل آورده و امام او را نقض^{۱۵} کرد و حجة الاسلام مبهوت شد.

۱- ج: که بروی مناظره کنند. ۲- کذا در «خ».

آورده اند که امام در سمرقند قاضی شد. وفات ایشان
در سنه چهارصد و هشتاد و یک^۱ بوده است.

و نیز می آرند که شخصی پیش امام آمد گفت
یا امام روایت کرد که قرآن را به فارسی نقل کنند و عربی را
گذارند؟ امام او را قتل فرمود و گفت که سبب قتل آن است
که این مرد می خواهد که قرآن را از طبق اعجاز خارج
گرداند تا که تغییر در دین افکند، بنابر آن قتل این مرد
را واجب دیدم. حاکم سمرقند استحسان فرمود. علیه
الرحمة والرضوان.

مزار کثیر الآثار حضرت شیخ عبدالرحمن

المشهور بعبدالرحمن بن عوف^۲

۱۰

که متصل به دروازه ارگ عالی قریب به مزار قطب
چهاردهم و مزار حضرت فخر الاسلام است. لیکن در
«تاریخ مدینه» می آرد که قبر عبدالرحمن بن عوف^۲
در مدینه منوره در قبرستان بقیع است، شاید که میان
هر دو شخص نام مشترک باشد، والله تعالی اعلم. مزار ایشان

۱۵

جلی النور است. رحمة الله علیه .

وسه مزار دیگر نیز به درون ارگ سمرقند است :
یکی به طرف شمالی ارگ ، دویم به طرف غربی ارگ ،
سیوم بقریب دروازه دیگر که غیر دروازه حضرت قطب
چهاردهم است . این سه عزیز را نام و احوالات معلوم
نیست .

ذکر مزارات بابر کات شهر سمرقند

که آن بیرون از ارگ عالی افتاده است

مزار فیض آثار حضرت روح آباد

- نام مبارک ایشان مولانا برهان الدین ساغرچی
است . ساغرچ از قصبچه^۱ های توابع سمرقند بوده است .
الحال خراب است . مزار ایشان به درون شهر سمرقند و
قریب به دیوار جنوبی قلعه ارگ است .
نقل است که مولانا در ایام حیات خود در مقام
خاکجای خود رسیده فرمودند که از این خاک بوی
آشنائی می آید ! عاقبت در همانجا مدفون گشتند . و

حضرت مولانا از نسل حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه بوده اند و يك تار موی مبارك حضرت كاینات صلی الله علیه وسلم به درون ظرف مس^۱ در سقف گنبد ایشان آویخته است. و گنبد بالای ایشان امیر تعمیر کرده است. آن امیر تیمورست. و زیارت مزار ایشان دلگشا و روح افزاست.

ذکر مزار فیض آثار حضرت و بی انا

به درون شهر سمرقند بطرف غربی شهر در گذر زین گران واقع است. مشهور آنکه ایشان از اقربای ویس قرن می باشند، ایشان را ویسی از آن گویند که ولی^{۱۰} مادر زاد بوده اند. مزار ایشان ظاهر النور است.

مزار فیض آثار حضرت امیر سید برکه

به درون شهر سمرقند در زیر گنبد دخمه^{۱۵} امیر تیمور گورکان است. حضرت سید از ولایت^۲ کرمان به ولایت^۲ بلخ آمده اند.

۱- خ : میس . ۲- خ : ولایت .

امیر تیمور را به باطن مدد کرده اند . بنابر آن
 شهر بلخ فتح شده است . و امیر تیمور ایشان را به سمرقند
 آورده است . در زمانی که امیر تیمور ایشان را به سمرقند
 آورده است ، امیر تیمور به دیدن مدرسهٔ پیر محمد
 سلطان آمده است . در طرف غربی مدرسهٔ مذکوره
 از برای خاکجای بنای خود گنبد رفیع همه از سنگ
 رخام و یشم آنجا عمارت کرده ، در طرف شمالی گنبد
 بنای مدرسه و در صحن آن چهار باغ عالی مرتب
 ساخته . حضرت سید را بعد از وفات حضرت مذکور از
 مازندران آورده به درون گنبد گذاشته ، خوابگاه
 خود را زیر پای حضرت سید مقرر ساخت . چون درسفر
 اخیر که همراه سة لك لشكر جرّار از برای فتح ولایت
 خطای می رفت در اثنای راه در موضع اوترار که از توابع
 ترکستان است به خان گلدی بيك نزول فرمود ، در
 آنجا وفات یافت . در مدت پنج روز جنازهٔ او را آورده
 به درون دخمهٔ گنبد خود به زیر پای حضرت سید

به صندوق مرمر گذاشتند . از اوترار تا سمرقند هفتاد
فرسنگ است .

نقل است که در زمان شاهرخ مرزا شنوده از
هرات به سمرقند آمد . پدر بزرگوار خود را از آن
مقام برون نموده از خوف عدو بجای دیگر دفن کرد .
سلطان شاهرخ مرزا و میرانشاه و محمد سلطان و
میرزا الوغ بيك ، این جماعت به درون گنبد دخمه
امیر تیمور گورکان می باشد . و مزار حضرت سید واضح
البرکات است .

در طرف غربی درون گنبد به بالای صفه قبر میرسید
عمر بن حضرت سید کللال است . مزار ایشان ظاهر النور است .
و به بالای گنبد دخمه امیر تیمور قبّه ای از طلا بوده
است که در خرابی ولایت کدام بدبخت گرفته ضایع
نموده است .

۱۵ [ذکر مزار] حضرت امام ناصرالدین مشهور به خان سید امام

به درون شهر سمرقند است . در غربی چشمه
ناوه دان در بالای تل و قریب به جوی چشمه مذکوره

افتاده است . حضرت سید از جمله متقدمین اند .
احوال جزئی ایشان پوشیده است .

به قریب دروازه گازران^۱ که آن را دروازه
حضرت خواجه احرار می گویند در خاکریز قلعه شهر
از طرف درون نیز مزاری است و این چنین در غربی راه
عام [که] مردم از همانجا به طرف مزار خان سید امام
می روند قریب به دروازه .

و در طرف غربی راه عام نیز مزار دیگری است .
نام واحوال این دو بزرگوار معلوم نگردید ، والله اعلم .

۱۰ ذکر مزار فیض آثار محمد بن امام جعفر صادق رضی الله عنهما

به درون شهر و به درون گنبد به تحت گلدسته جنوبی
رواق مدرسه شیردار افتاده است . گویند که امیر
یلنکتوش بی اتالیق به تعظیم قالب حضرت امام در آنجا
بنای مدرسه کرده است .

۱۵ در کتاب کهنه که از طرف ایران آمده بود، اول
در آن کتاب تحقیق ولادت و سنه وفات و خاکجای

امامان را کرده نوشته که قبر امام محمد بن امام جعفر
صادق رضی الله عنهما به درون شهر سمرقند است و مشهور
آنجاست که تعیین کرده شد .

هزار فیض آثار حضرت شیخ ابوالمنصور ماتریدی

در مقام جا گردیزه است . به درون شهر سمرقند
است . به طرف شرقی شهر در کناره شهر مذکور افتاده
است . در اصل باغ خواجه امام زاهد ابواسحاق بن
ابراهیم بن سماس مطوعی بوده است که خواجه در آنجا
مدفون شده اند . در وسط قبرستان مسجد مزار حضرت
شیخ در طرف جنوبی مسجد و قریب به مسجد مذکور
[سنگی] افتاده و آن سنگ کبود است که به فاصله
پنج گز تخمیناً از دیوار مسجد دور افتاده است .

حضرت شیخ را در قریه ماترید باغ بود . اکثر
نهاد آن را خود می نشانیدند . در کتاب «حیره الفقهاء»
آورده است که خادم کلند می زد و شیخ تآک می نشانیدند .
آواز بانگ نماز بلند شد . شیخ خواست که نهاد
گذارد و به مسجد رود . از برای نشانیدن تآک تأخیر

- کرد . بعد از سالی پادشاه به هر باغی چند کوزه بدعت نهاد . حضرت شیخ گفت این بدعت از شومی آن تأخیر است که من از برای تاء [نشانیدن] در کار نماز کردم . این می گفت و دستار مبارك بر زمین می زد و می گریست .
- نقل است که روزی شیخ در باغ بود . رسول خلیفه ه بغداد که از برای سؤال يك مسأله از بغداد به سمرقند آمده بود بر در باغ شیخ رفت و حلقه بر در زد . شیخ به لباس جریده برون آمد . رسول پرسید که مولانا کجا است؟ شیخ گفت مولانا خداست ! باز پرسید که خواجه کجاست؟ [شیخ] گفت خواجه مصطفی است ! باز پرسید ۱۰ که شیخ کجاست؟ در جواب گفت که شیخ این پیر کدا است .

- فرقه ناجیه که ایشان را اهل سنت و جماعت می گویند در مسائل اعتقادی و فرقه اند . [فرقه ای] تابع شیخ ابوالحسن اشعری اند و ایشان را اشاعره می گویند و ۱۵ فرقه دیگر تابع حضرت شیخ ابوالمنصور ماتریدی اند که ایشان را ماتریدیه می خوانند . اکثر بلاد اعظم مثل

روم و بخارا و بلخ و خوارزم و سمرقند و فرغانه و مجموع
هندوستان و ترکستان و کاشغر همه ماتریدیه اند.

و طرف غربی سنگ مزار حضرت شیخ صحن است
که آنجا حظیره^۱ مفتیان است، گویند که چهارصد مفتی
در آنجا مدفونند. ۵

و به دور حظیره^۱ اثر قدم دیوار [ست] که از
خشت پخته است که معلوم میشود مزار فیض آثار
امام نجم الدین عمر النسفی است. و مزار ایشان نیز در
مقام جاگردیزه است و قریب به مزار امام علم الهدی
حضرت شیخ ابوالمنصور ماتریدی است. و بعضی گویند که
مزار حضرت ایشان در برون مسجد عبدالله بن عمر است. ۱۰

مزار فیض آثار مولانا برهان الدین مرغنائی

ایشان مؤلف کتاب «هدایه» اند. نیز در مقبره
جاگردیزه اند. در غربی راه عام واقع است و قریب
به موضع پستی که به شکل حوض ظاهر میشود. ۱۵

مزار فیض آثار اسماعیل شیخ

به درون شهر در طرف شمالی تلی که آن را ترکان
 «گل تپه» می گویند، فاصل راه عام است که مردم به مزار
 حضرت شیخ ابوالمنصور می روند. ایشان از خلفای
 حضرت شیخ نجم الدین کبری اند.

مزار فیض آثار درویش خان

در گذر در زنجیر است. ایشان از خلفای حسین
 خوارزمی اند و سلوک ایشان [به] طریقه جهر بوده است.
 در زنجیر رباط حرم امیر تیمور گورکان بوده
 است. در طرف غربی قبرستان جا کردیزه است. آن
 متصل به مقابر مسلمین [است].

مزار فیض آثار یعقوب ابولیت

در طرف جنوبی گذر در زنجیر واقع است. ایشان
 از اولاد حضرت فقیه ابولیت سمرقندی اند. در گذر
 ابولیت واقع است. زیارت مزار ایشان کثیر البرکات است.

مزار فیض آثار حضرت سید بکر الدین

که ایشان را به تر کی تینکر مانچی اتا می گویند.
در گذر یلنکتوش بی اتالیق قریب به مزار یعقوب ابولیت
در جهت برج غربی جنوبی بفاصله تخمیناً یک صد قدم.
گویند که در مسجد سید دعا مستجاب است. از مشایخ
ترك بوده اند، رحمة الله علیه.

ذکر مزار مولانا درویش

به درون سمرقند در گذر مخدوم خوارزمی^۱. در
جنوبی راه عام که مردم به مزار شیخ ابوالمنصور می روند،
به طرف شرقی گنبد اولاد مخدوم خوارزمی به فاصله
تخمیناً یک صد قدم واقع است. ایشان شایسته مولانا
برهان الدین صاحب هدایه بوده اند.

مزار فیض آثار حضرت خواجه محمد فضل شقیق بلخی

مزار ایشان در پهلوی دروازه شهر که آن را «قلندر-
خانه» می گویند به درون شهر قریب به دیوار قلعه است، و
این مزار بدین نام مشهور [است]، والله تعالی اعلم.

مزار فیض آثار خواجه اولیا

در شرق راه عام است که مردم به طرف مدرسه
حضرت [خواجه] احرار قدس سره می روند . به درون
شهر به گذر خانقاه واقع است . از اولاد کرام حضرت
مخدوم اعظم ده بیدی اند و نسبت و ارادت ایشان به بابا
زین الدین هندی نیز می رسد . در سمت شمالی ایشان نیز
مزار است . آن غیر مشهور است .

مزار فیض آثار حضرت خواجه نسبت دار

به درون شهر در شرقی راه عام قریب به دروازه
سوزن گران است . احوال ایشان پوشیده است .

مزار فیض آثار حضرت سید عاشق

به درون شهر [ست] در گذر حوض جامع که آن را
مردم «حوض سنگین» می گویند .

مزار فیض آثار حضرت خواجه محمد قطنو
مشهور به مزار فیض ۱ که به درون شهر
در صحن بیرون مدرسه شیردار است

گویند که از اولاد حضرت سلطان خواجه احمد

یسوی اند . بعضی می گویند که ایشان خواجه محمد
دشت نباتی اند که «دشت نبات» از موضعهای ولایت حصار
است . هر حیوان و انسانی که بول آن بسته شود بر گردد
مزار ایشان گردانند ، فی الفور کشاده میشود . مجرب
است . ۵

مزار فیض آثار مولانا ابوالمکارم

در غربی مدرسه جامع طلاکاری [اسیت] . دوری آن
تخمیناً دو صد قدم می باشد . ایشان شارح «مختصر وقایه» اند .
در عصر محمد شیانی خان^۱ بن بداغ سلطان در فقه
۱۰ مشارالیه بوده و محمد شیانی خان^۱ از ایشان مسأله مشکله
استفسار نموده و ایشان بر آن روایت (؟) جواب ننوشته اند .
خان مذکور به بی تجربگی ایشان را به دم آره
شهید نمود . گویند که در اندک روز به دم شمشیر مقتول
گردید . در محاربه که میان وی و شاه اسماعیل در مرو
۱۵ واقع شد شهید گردید .

مزار فیض آثار خواجه اخی

به درون شهر در بلندی چشمهٔ ناوه‌دان در غربی
 راه عام که در محاذی جوی چشمه و دیوار شرقی شهر
 سمرقند افتاده است، میان مزار خواجه و جوی چشمهٔ
 ناوه‌دان است. احوالات ایشان پوشیده است و مروی
 نشده است.

مزار فیض آثار حضرت خواجه ابوالفضل بلخی ره

به درون شهر در برج شمالی غربی شهر قریب به
 دروازهٔ پای قباق است. حضرت خواجه سید و عالم و
 صاحب کرامات و مقامات بوده‌اند. از بلخ به سمرقند
 آمده‌اند. ایشان را قاضی کرده‌اند. بعد از مدتی به حج
 رفتند و باز آمدند. و انتساب ایشان به حضرت صدیق اکبر
 می‌رسد، علیه الرحمة.

مزار فیض آثار حضرت محمد بن الواسع

به درون شهر در شرقی راه عام که مردم به «دروازهٔ
 آهنین» که آن را دروازهٔ حضرت شاه‌می گویند و می‌روند
 در ته دیوار قلعهٔ شهر واقع است.

گویند که از اصحاب حضرت شاه بوده اند .
مسجدی که در یلی مزار ایشان است محل اجابت دعا
است .

مزار فیض آثار حضرت مولانا زاهد افکار سمرقندی

در پشت طبقه دروازه حضرت شاه واقع اند .
ایشان چهل اربعین نشسته تسخیر اکثر اجنه و ملائکه
کرده اند ، علیه الرحمة .

مزار فیض آثار خواجه جان خواجه

به درون شهر در غربی مسجد جامع امیر تیمور
گورکان و قریب آن واقع است . ایشان از خلفای آخوند
عزیزان بوده است . ذکر آخوند در کتاب «لمحات» بوده .
مزار ایشان لایح النور است .

مزار فیض آثار حضرت عمه شاه

در غربی راه عام بقریبی مزار خواجه جان خواجه
مایل به برج جنوبی . میان مزار خواجه و عمه شاه
تخمیناً سه صد قدم می باشد . مشهور آنکه عمه حضرت

شاه قثم بن العباس باشند ، والله اعلم .

مزار فایض الانوار حضرت خواجه زود مراد

به درون شهر در جنوبی راه عام که مردم از جامع
امیر تیمور گورکان به دروازه پای قباق می روند واقع
است و مشهور به حضرت جرجیس پیغمبر ، لکن مرقد
حضرت جرجیس پیغمبر در ولایت موصل است . عزیزی
می گویند که شاید بسبب اشتراك اسم باشد ، و «زود مراد»
بسبب آن می گویند که به هر مقصد زایران مرقد خواجه
روحانیت ایشان را شفیع می آرند ، آن مقصد زود حاصل
میشود .

۱۰

در تاریخ سنه يك هزار و دو صد و چهل^۱ و نه استاد^۲
محمد شریف درینزگر بر دور مزار شریف ایشان ایوان
رفیع مزین تعمیر کرده ، يك پایه ستون آن را از چوبین
ریخته نصب نمود . مزار ایشان لایح النور است و
کثیر البرکات است .

۱۵

مزار فیض آثار حضرت خواجه دانیال

در برون شهر به طرف شمالی در رخنه شرقی قلعه

۱- اصل : چهیل . ۲- اصل : استا .

افراسیاب در لب جوی سیه آب واقع است. عوام قبر دانیال پیغمبر می گویند. [اما] مزار آن حضرت در ولایت موصل است. می گویند که ایشان از اصحاب قثم بن العباس رضی الله عنه بوده اند که در آن مقام آسوده اند.

مزار فیض آثار حضرت خواجه پیر میدانی

۵

در قریه «باغ میدان» به طرف شمالی قریب ارگ افراسیاب میانه جوی آب رحمت و جوی سیه آب واقع شده است. نام مبارک ایشان خواجه رشید ولی است. از مجذوبان حق بوده اند و مزار ایشان بغایت کثیر البرکات است.

۱۰

مزار فیض آثار حضرت بابا صامت^۱

در زیر «تل پای رصد^۲» در لب جوی آب رحمت در برون شهر در سمت شمالی شهر واقع است. ایشان از خلفای حضرت خواجه بهاء الحق والدین قدس سره بوده اند.

۱۵

۱- خ : صامت ، چ : ثابت . ۲- اصل : رصد .

مزار فیض آثار حضرت خواجه اسحاق ولی

ولد مخدوم اعظم ده بیدی

در خارج شهر در سمت شمالی در قریه «باغ بلند»
افتاده ، در پهلوی حوض چهار باغ امیر تیمور گورکان
واقع است .

- حضرت خواجه در قریه سفید^۱ دوك از قریه ده بید
مدفون بوده اند . وقتی که دریای کوهک به مرور ایام در
پهلوی مزار حضرت خواجه رسیده است سلاله العظام
عبدالله خواجه فرزند بیواسطه ایشان از آن مقام استخوان
مبارک ایشان را برداشته در قریه «باغ بلند» که قشلاق^{۱۰}
ایشان بود در پهلوی خودها در فنای شهر سمرقند آوردند .
حضرت خواجه در وفات پدر بزرگوار خود خردسال^۲
بوده اند و از تربیت مولانا لطف الله جستی خلیفه حضرت
پدر بزرگوار خود به مرتبه کمال رسیده ، سالها در مسند
ارشاد^۳ و تکمیل خلائق بوده اند . و حضرت خواجه کبر سن^{۱۵}
در یافته بوده اند . کرامات و حالات ایشان از حد^۴

۱- خ : سفید . ۲- اصل : خور دسال ۳- خ : ابرشاد .

۴- خ : حضرت .

متجاوز است . حتی که احیای اموات از ثمرهٔ توجهات باطن ایشان به وقوع پیوسته است ! در کتاب مقامات ایشان مفصل است .

۵ بلاد کاشغر و نواحی آن اباعن جد حلقهٔ ارادت حضرت خواجه را در گوش دارند و به اولاد ایشان خودها را فدا می کنند . وفات حضرت خواجه در تاریخ یک هزار و هفت بوده است . زیارت مزار حضرت ایشان در تنویر باطن اثر تمام دارد .

مزار فیض آثار خواجه غنچاره

۱۰ در قریهٔ شمالی برون شهر در موضعی که به نام خواجه مسمی است واقع است . نشان مزار ایشان مرقد طولانی است . غنچاره در لغت سرخ روی را گویند .

مزار فیض آثار خواجه مرغان

۱۵ نیز در قریهٔ خواجه غنچاره است . گویند که ملائکه بصورت مرغان به پیش خواجه می آمدند و تعلیم طریقت از خواجه می گرفتند ، رحمه الله .

مزار فیض آثار خواجه غلام

در برون شهر در محله‌ای که آن را محله خواجه
غلام می‌گویند . نقل است که خواجه اول مرتبه وفات
یافته‌اند [و] در آن محله مدفون شدند . بعد از آن غلام
ایشان وفات یافت . آن را به پای خواجه دفن کردند و علم
نهادند . روز دیگر دیدند که قبر غلام بالا و قبر خواجه
پایان شده است . الحال همچنین است . مزار ایشان
فیض الانوار است .

مزار فیض آثار قطب الابرار و غوث الاخیار

حضرت خواجه احرار قدس سره

۱۰

نسبت حضرت ایشان به حضرت عمر بن الخطاب رضی
الله عنه می‌رسد . حضرت ایشان در اصل از ولایت تاشکند
بوده‌اند . به توجه خاطر سلطان ابوسعید خان از تاشکند
به سمرقند آمده در محله خواجه کفشیر اقامت کرده‌اند . ۱۵
آن محله‌ای است به طرف جنوبی شهر بقدر ثلث فرسخ از
شهر دور افتاده .

و حضرت خواجه مرید حضرت مولانا یعقوب
چرخ‌ی‌اند . و ایشان مرید حضرت خواجه بهاء الحق و

الدین اند. لیکن مولانا کمالات از حضرت خواجه
علاء الدین عطار یافته اند و حضرت خواجه علاء الدین
جای نشین خواجه بهاء الحق والدین نقشبندند.

و حضرت خواجه احرار قدس سره در اثنای طلب
به هرات و سمرقند و بخارای شریف بسیار گشته و صحبت
مشایخ وقت را مثل حضرت سید قاسم و مولانا نظام -
الدین خاموش و شیخ بهاء الدین عمر و غیرهم را دریافته -
اند و عاقبت به مولانا یعقوب چرخ مرید شده و از آن
جا کمال و تکمیل یافته یگانه جهان و منفرد دوران
شده اند. چنانچه حضرت مولانای جام، مولانا عبد الرحمن
جامی که منبع انوار ولایت و در دریای دانش و هدایت
بوده اند در کتاب «تحفة الاحرار» که به نام حضرت ایشان
نوشته هدیه صحبت شریف آن جناب کرده می فرمایند که:
زد به جهان نوبت شاهنشهی

کو کبۀ فقر عبیداللهی
آنکه زحریت^۱ فقر آگه است

خواجه احرار عبیدالله است

و در کتاب [دیگر] می فرمایند که :

خواجۀ خواجگان کار آگاه

قبله مقبلان عبیدالله

این چنین حضرت مولانا محمد قاضی را کتاب

- «سلسلة العارفين» نام و مولانا علی صفی را کتابی است ۵
«رشحات» نام ، همه مشتمل بر حالات و مقامات و
کرامات حضرت ایشان است که صفحه این رساله در
نقل آن وسعت ندارد .

وسلطانان صاحب دستگاه و پادشاهان باعز و جاه همه

- کمر فرمانبرداری و اخلاص کیشی حضرت خواجه را ۱۰
بر میان بسته اند . پادشاهان با وجود تاج خسروی و کمر
پادشاهی بمانند خادمان در رکاب وی پیاده می دویده اند و
به اندک بی ادابی که نسبت به ملازمان آن جناب ظاهر
نماید^۱ از ملک و دولت بلکه از حیات و سلامت جدا شده
عبرت زمانه می گردیده [اند] . از کمال تصرف و قوت ۱۵
ولایت به ظاهر و باطن خلق متصرف بوده اند .

حضرت ایشان به حسن ظاهر و ملاححت باطن آراسته

۱- کذا در اصل ، ظ : می نموده اند .

بوده اند. نسبت باطن حضرت ایشان آنقدر ملاحظت و شیرینی
 بوده است که گرفتار صحبت و کمند محبت ایشان را لذت
 جاوید و حلاوت مدام میسر بوده است. چنانچه شاهد
 این حال و نظیر این مقال زیارت مزار فیض الانوار
 حضرت ایشان است که باطن مرده را و دل افسرده را مجرد
 توجه به روضه ایشان حیات تازه و نشاط بی اندازه می بخشد :

تاروضه خواجه مظهر انوار است

منزل که قطب ، مجمع ابرار است

حریت هر دو کون گردد حاصل

هر کس که غلام خواجه احرار است

این فرش زمین اخلاص مدتی است چون فاخته
 طوق دار در مزار ایشان است ، و چون عندلیب گرفتار آن
 بوستان بودم. روزی در آن آستان از حرارت دل رخساره
 بر سنگهای فرش مزار ایشان می سودم و بر لب حوض وزیر
 درختهای طوبی [مثال] این غزل را فرمودم :

کوی تو چیست کعبه دارالقرار فیض

صحنت بهشت، مرقد پاکت حصار فیض

- نورست بس که تربت قدسی شعار تو
 بنوشته کرد لوح تو هذا مزار فیض
 جز عجز نیست بار که قدس را نیاز
 خاک در تو گشتم، گشتم دوچار فیض
 یا خواجه ولی ز تو دارم توقعی
 من نخل خشک لطف توام آبیار فیض
 از لطف خویش این قدرم تشنه لب مدار
 صبح دمیده‌ای چه برم انتظار فیض
 حضرت ایشان کبر سن دریافته بوده‌اند. در تاریخ
 هشتصد و نود و پنج آن قبله مقبلان و آن عارف عارفان در ۱۰
 قریه کمانگران که در دامنه کوه جنوبی سمرقند واقع
 است در شب شنبه از دار^۱ بعد به سرای قرب خرامیده از
 دنیا نقل فرمودند، و نعش مبارک ایشان را از آنجا آورده
 در قریه خواجه کفشین که محل اقامت آن جناب بود در
 بیرون محوطه^۱ ملایان آن نور پاک [را] در حر مسرای ۱۵
 خلوتکده خاک گذاشتند، «نماند مرشد راه» تاریخ وفات

ایشان است .

روحانیت حضرت خواجه را در حمایت اولاد کرام و اهالی سمرقند آثار تصرف عجیب ظاهر است . اصحاب و خلفای حضرت ایشان کثیرند . از آن جمله صاحب کتاب «سلسلة العارفين» حضرت مولانا محمد قاضی که پیر حضرت مخدوم اعظم ده بیدی اند [و] در جوار مزار حضرت ایشان آسوده اند . قبر ایشان در پایان مزار حضرت ایشان به طرف جنوبی افتاده در محاذی پای حضرت خواجه است . به بالای قبر مولانا از قیرهای دریا ریخته اند .

۱۰ نشان مزار مولانا همان است .

و سایر خلفای ایشان اکثر در حظیره^۱ حضرت ایشان آسوده اند . تفصیل ایشان در کتاب «رشحات» مذکور است . و این چنین قبر مولانای معلم صاحب تصانیف مولانا عصمت الله در حظیره^۱ حضرت ایشان است . انتقال ایشان

۱۵ در يك هزار و نه بوده است .

و نیز قبر زبدة الفضلا میر سید راقم مؤلف^۲ تاریخیچه

۱-خ : حزیره . ۲-خ : مالف .

در حظیره^۱ ایشان است ، در جوار قبر جدّ خود خواجه
عصام الدین بن خواجه نظام الدین بن مولانا محمود کیلانی
واقع است .

- و نیز قبر سلاله^۲ العظام نتیجه الکرام سلطان خان
خواجه شیخ الاسلام در حظیره^۱ حضرت ایشان در طرف
جنوبی واقع است . ایشان از اولاد حضرت خواجه اند و
متولی سرمزار بوده اند . در ملک فرغانه به منصب
خواجه کلانی و در بخارا و سمرقند به منصب شیخ الاسلامی
ممتاز بودند . افکار رنگین و اشعار نمکین بسیار گفته
به زبان فارسی و ترکی نظم خوب و دیوان مرغوب دارند و
در اشعار لفظ «ادا» تخلص دارند . در سنه یک هزار و دوصد و
پنجاه و یک در بلده بخارا وفات یافتند و نعش ایشان را
در سمرقند آورده در جوار جدّ کرام ایشان را گذاشتند .
و نیز قبر مولانا میر عبدالحی خواجه قاضی کلان و
هم شیخ الاسلام در همین پشته حضرت خواجه است ، در
محاذی جنوبی شرقی مدرسه ندیر محمد دیوان بیگی که در

طرف شمالی مزار حضرت خواجه احرار قدس سره واقع است افتاده در بالای تلجه معین. میان قبر مولانا و دیوار مدرسه تخمیناً شصت قدم است. مولانا عالم به علوم بوده اند. تولد ایشان در سنه یک هزار و یک صد و شصت و نه بوده است. مدت عمر و حیات ایشان هفتاد و چهار سال بوده است. در تاریخ سنه یک هزار و دو صد و چهل و سه بوده است که از دار غرور به خاوتخانه سرور خرامیدند. مدت قضای ایشان در بلده سمرقند چهل سال و مدت مرض که از اوجاع مفاصل بوده سیزده سال.

۱۰ در اثنای مرض کتاب حواشی شافی بر شرح بیضاوی و شرح فارسی صحیح بخاری و ترجمه فارسی زبور داود علیه السلام و کتاب «اخلاق بهادر خانی» و «شرح الشرح هدایه» از کتاب البیع تا آخر تصنیف نموده اند.

و بعد از فوت مولانا عبدالحی شیخ الاسلام پسر ایشان که مولانا ابوسعید خواجه که عالم به جمیع علوم عقلی و نقلی بوده اند بجای پدر قاضی کلان شده اند.

۱۵ اکثر اوقات حضرت امیر حیدر پادشاه [ایشان را]

به بخارا برده همراه علمای بخارا مناظره و مباحثه فرموده .
در علم قال انگشت نمای روزگار بوده اند . همه سر تسلیم
می آوردند .

و این گمنام ملا ابوطاهر خواجه مفتی پسر
قاضی ابوسعید خواجه قاضی کلان مذکور مؤلف همین ۵۰
رساله ، قطره ای ازین بحر و ثمره ای ازین شجر است .
لکن قطره ای است خجل و ثمره ای است منفعل .

بزار فیض آثار شیخ ابوسعید آبریز

قریب به حظیره^۱ خواجه احرار قدس سره است ،
از احفاد بابای آبریز بوده ، مزار بابای آبریز در مقبره^{۱۰}
جا گردیده است . ایشان را آبریز بدان سبب می گویند
[که] فرموده که روح من به بالای حضرت آدم صلی الله
[آب] میریخت !

ذکر مزار فیض آثار خواجه عبدی برون

در محله برون شهر به دوری تخمیناً ثلث فرسخ ۱۵
در سمت جنوبی شهر واقع است . ندیر محمد دیوان بیگی
بر سر مزار ایشان خانقاه و ضیاع و حجره ها بنا کرده است .

گویند که ایشان از احفاد امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه بوده اند و انتساب ایشان به قبیله «عبدی» نیز بوده ، «عبدی» اسم از قبیله عرب نیز بوده . در اصل خطاب سماوی بوده است . از متقدمین اند . گویند که جد ایشان همراه قتیبه^۱ آمده بوده اند .

نقل است که در زمان اسلام اول سعید بن عثمان همراه حضرت قثم بن العباس آمده سمرقند را به صلح فتح کردند و اسلام آشکارا نمودند و بعد از شهادت حضرت قثم بن العباس باز سمرقندیان به دین سابق خود هادر آمدند ۱۰ تا زمانی که قتیبه^۱، از مروان آمد . بعد از ورود قحط عظیم ، به حيله و تدبیر سمرقند را دویم باره فتح نموده منقاد به دین حضرت رسول صلی الله علیه و سلم گردانید .

ایشان را خواجه عبدی برون از این وجه می گویند که مزار ایشان در خارج قلعه سمرقند است که آن را ۱۰ «دیوار قیامت» می گویند ، و میانه قلعه اسکندرو مزار ایشان تخمیناً پنج صد قدم است .

در بعضی کتاب^۱ تواریخ مذکورست که مردم سمرقند به لشکر قتیبه^۲ حرب عظیم نمودند. قتیبه^۲ از دیوار شهر دور رفت و در زمین منزل «نوباغ» استقامت کرد و آن جا حوض بغایت کلان کند. و لشکر وی به دور آن اقامت کردند. الحال آن حوض را «کول ماغیان» می گویند. و مدت اقامت ایشان چهار ماه، و به روایت [دیگر] هفت ماه کشید. شهر را فتح بکرد، باز بگردید.

ذکر مزار فیض آثار خواجه عبدی درون

در برون شهر در طرف جنوبی مایل به شرقی در محله نومولیان در موضع که نام آن موضع را در قدیم ۱۰ «فنافتح» می گفته اند به درون قلعه اسکندر تخمیناً هزار و سه صد قدم است. ایشان معزالدین نام دارند ولد خواجه محمد یعقوب بن خواجه عبدی بن حضرت عثمان رضی الله عنه و لقب ایشان «خواجه گنج روان» بوده است. پسر عبدی برون بوده اند. میان علم حال و قال جامع بوده اند. ۱۵ نقل است که ایشان در سمرقند قاضی بوده اند.

۱- کذا در اصل، ظ: از کتب تواریخ. ۲- خ: قطیبه.

معدلت ایشان ناغایتی بوده است که پدر ایشان در واقعه [ای] شهادت دادند و شهادت پدر خود را قبول نکردند و گفتند که ای پدر ما خرد سال^۱ بودیم، شما قبل از ادای خراج سلطانی از تالك به مهمان انگور بر آوردید، بدین سبب در عدالت شما توقف داریم.

حضرت ایشان در ایام حیات خود چغز^۲ را مکروه می داشتند. بنابراین آن چغز^۲ در حوض مزار ایشان داخل نمی شود و به هر حوضی که از آب حوض ایشان می ریزند چغزان^۲ حوض بیرون می روند. لای حوض مزار ایشان دافع قروح خبیثه اطفال است. خواه بر قرچه بمالند و یا به نام آن طفل بر دیوار مزار ایشان چسباندند.

گویند که سلطان سنجر ماضی را بر سر مزار حضرت خواجه عبدی برون عمارت برون قبه بود که بعد از خرابی یکی از سلطانان از سلاطین تیموریه آن علی حده تعمیر خانقاه و حجره ها بنا نهاد. و این عمارت کاشین کاری در عصر میرزا الغ بیک واقع شده.

۱- اصل: خورد سال. ۲- خ، چ: چغذ.

نقل است که سلطان سنجر را در دشت قطوران
 [که] عرصه شرقی برون سمرقندست با کفار قراخطای
 محاربه عظیم واقع شد. در آنجا مسلمان بسیار به شهادت
 رسیدن^۱ و ابتدای زوال دولت سلطان سنجر در سمرقند
 از همین محاربه واقع شد و آن شهدا در همان موضع
 مدفون شدن^۱.

و غار عاشقان در همان موضع است، و بنای مدرسه
 قتمیه نیز از سلطان سنجر بوده است.

- و آن دخمه رفیع که در شمالی مزار ایشان است و
 مردم آن را «عشرت خانه» می گویند آن دخمه مستوره^۲
 حرم عصمت مسماة صاحب دولت بکه است که مادر مسماة
 مذکور حبیبه سلطان بیگم بنت امیر جلال الدین بنای این
 گنبد را نموده و از برای قراء حجرات ترتیب داده اند.
 و قبر مولانا محمد صادق در همین پشته است. مولانا
 در ایام دولت عبدالله بهادر خان در سمرقند به عمل قضای
 بلدة مذکوره منصوب بوده اند. وفات ایشان در سنه یک

۱- کذا در اصل «خ». ۲- خ: مسطوره.

هزار و شش واقع شده است . لفظ « فخر دین »^۱ تاریخ وفات ایشان است .

مزار فیض آثار بابا حاجی صفا

در برون شهر سمرقند در سمت جنوبی^۲ در محله قلندر خانه^۳ که آن را «تکیه قلندران» گویند واقع است . حضرت حاجی صفا مجاورت مکه نموده ، حضرت خانه^۴ معظمه را تنها یافته اند .

در سمرقند بنای تکیه و قلندر خانه نموده در تاریخ سنه یک هزار و [یکصد و] پنجاه و سه از دار بعد به خلوتخانه قرب انتقال نمودند . لفظ «ختم اقطاب» تاریخ وفات ایشان است .

مزار فیض آثار خواجه خواجگان

در موضع قواله در شرقی نماز گاه سمرقند واقع است .

مزار فیض آثار ملاخواجه

در برون شهر سمرقند در طرف جنوبی مزار حضرت

۱- ماده تاریخ ۹۴۴ می شود و ظاهر آ یک کلمه کم دارد .

۲- چ : سمت شرقی برج جنوبی . ۳- خ : قلندر خوانه .

۴- خ : خوانه .

عبدی درون و قریب راه عام [که] مردم به موضع محله می روند واقع است . احوالات ایشان پوشیده است .

مزار فیض آثار خواجه اسحاق ختلانی

در کوهسار ناحیه ای از محکومات سمرقند [که]
 آن را «کوه فان» می گویند واقع است .

و «فان» قصبچه ای است ^۱ که آنجاست [که]
 حضرت خواجه اسحاق از خلفای امیر سید علی همدانی اند
 از خلفای شیخ نجم الدین کبری می رسند .

در آن موضع در وسط ^۲ کوه غاری است .

حضرت خواجه بر در غار نشسته جسد مبارک ایشان غیر
 مدفون است . و تا ناف از پیر بال کبوتران ریخته است . و
 روی مبارک بطرف قبله و پشت بر مشرق استاده اند
 به هیأت منتظران امیدوار صور اسرافیل علیه السلام .

و از سقف آن غار قطره قطره آب می چکد و چند

قدمی به طرف درون رفته آن آب سنگ می شود .

گویند که از اینجا نسیم دلگشا و هوای فرح فرا

وزیده روح را تازه می گرداند و حقیقت ایشان معلوم
احدی نشده .

و قریب به درغار خواجه، گلبن بوده که در هر سال
دو مرتبه گل می آورده و گل سرخ ظاهر می ساخته .
و دیگر از کرامت وی اینکه هر چند درغار را
به سنگ ولای مسدود می کرده اند بی سبب و بی باعث
کشاده می شده است .

مزار ایشان از سمرقند تخمیناً بیست فرسنگ است.

مزار فیض آثار خواجه محمد بنار

در کوهسار توابع سمرقند واقع است . ایشان در
تحقیقات خواجه ابوالقاسم سمرقندی مذکورند و از
تابعین^۱ بوده اند .

مزار ایشان در قصبه^۲ بنجه کنت که از محکومات
سمرقند است آنجا است .

در سنه هفتصد و شصت و چهار شیخان مزار ایشان
در بالای مرقد ایشان قبر طولانی و خانقاه عالی در آن

۱- اصل : توابعین . ۲- خ : قصبه .

زمین بنا نموده اند .

از سمرقند تا مزار ایشان تخمیناً یازده فرسنگ است .

- ۵ عزیز ی گفت که مزارات اکابر ما وراء النهر را بسیار زیارت کرده ام، اما هیچ مزاری را مثل مزار خواجه مذکور فیض بخش ندیدم .

مزار فیض آثار حضرت ابوطالب سر مست

- در کوه جنوبی در محله قصبچه اور کوت که از محکومات سمرقند است واقع شده . در سر مزار میدان ایشان چنارهاست . بزرگی هر چناری بقدر مناری است . و ۱۰ اینجا چشمه ای است که بقدر يك سنگ آسیا آب از يك منفذ خارج می شود .

- در طرف شرقی مزار ایشان در يك هزار و دوصد و هفت امارت پناه گته بيك دیوان بیگی که از امرای جماعت منگیه و مخلص علما بود مدرسه عالی در آنجا بنا ۱۵ نمودند . الحال محل تدریس اهل طلبه است .

واحالات ایشان پوشیده است . از متقدمین اولیا

بوده‌اند.

از سمرقند تا مزار ایشان تخمیناً پنج فرسنگ
است.

[مزار فیض آثار] خواجده امان

۵

نیز در محله قصبچه^۱ اور کوت واقع است و ایشان
نیز از اولیاء متقدمین بوده‌اند.

مزار فیض آثار حضرت غوث

در محله قصبچه^۱ اور کوت واقع است. گویند
که آن بزرگوار را مرتبه غوثی حاصل شده بوده است و
بعضی «قدم جای غوث» می‌گویند، و علامات فیوض ایشان
واضح‌النور است.

۱۰

مزار فیض آثار امام فخرالدین خان شهید

در موضع «جمعه بازار» از تومان شودار واقع است.
قریب به جوی عام «درغم» افتاده. ترکان «شاه سوارانا»
می‌گویند ایشان از جمله مجتهدین در مذهب حنفی
بوده‌اند.

۱۵

از سمرقند تا مزار ایشان تخمیناً سه فرسنگ
است .

[مزارات خواجه امیر حسین و خواجه حسن انا]

خواجه امیر حسین در موضع ترلك ، خواجه
حسن انا در موضع قندوزك از تومان شودار واقع است .
در بلندی خانه دریای کوهك افتاده . ترکان مزار حضرت
اصول لیغ حسن اتای خلیفه حضرت زنگی انا می گویند .
مشهور آنکه مزار ایشان در مضافات ولایت تاشکند
است . از مزار حضرت خواجه حسن انا به سمرقند يك
فرسخ است .

۱۰

[مزار خواجه سقا]

خواجه سقا در موضع سقا در غربی « تل رفیع »
و در پایان تل مذکور در تومان شودار واقع است . و این
تل در جنوبی چهار باغ امیر تیمور که مسمی به « باغ دلگشا »
بوده افتاده است .

۱۵

حضرت خواجه سقا از خلفای خواجه بزرگ
خواجه بهاء الحق والدین بودند .

از سمرقند تا مزار ایشان تخمیناً سه چهار يك
فرسنگ است .

[مزار خواجه کوهك]

خواجه کوهك به قریب دریای کوهك در تومان
شودار واقع است . ایشان را خواجه کوهك می گویند
[بسبب آنکه] مزار ایشان دریلی کوهك واقع است .

[مزار خواجه چوپان اتا]

مزار فیض آثار خواجه چوپان اتا در کوهك
واقع است، و بلندتر از آن تل دیگر نیست .
گویند که ایشان از خلفای حضرت سید اتا بوده اند .
در کوهك شبانی می کرده اند . و بعضی مزار چوپان اتا را
در خوارزم می گویند و این مقام را «قدم جای» می گویند .
تحقیق آن که ایشان غیر آن چوپان اتا اند که آن شخص
در خوارزم بوده اند .

و این عمارت عالی که بر سر مزار ایشان است،
امیر تیمور گورکان بنا نموده است .
مزار بابا نظر اتا

در دامنه شمالی کوهك است و در جانب دریا افتاده .

ایشان از جمله مجذوبین بوده اند .

مزار فیض آثار خواجه چاروق پوش

در موضع «خواجه چاروق» در تحت درخت «ارچه»
که آن را «برس» می گویند واقع است . احوالات ایشان
پوشیده است .

مزار فیض آثار حضرت صوفی دانشمند

در مضافات قصبه^۱ قراتیه از تومان شودار واقع
است . بر سنگ مزار ایشان نام ایشان ظاهر است . ذکر
ایشان در کتاب «لمحات» که حضرت عالم شیخ عزیزان
تصنیف [کرده اند] مفصل و مبین است .

مزار فیض آثار افتخار شیخ

در تومان شودار در موضع رازمان واقع است . ایشان
از مشایخ ترك بوده اند . بعضی موضع مذکور را قدم جای
ایشان می گویند و جسد ایشان را در موضع «نوباغ» در
تحت چنار مدفون می دانند . و مشهور قول اول است ، والله
اعلم .

مزار فیض آثار حضرت امام انا

در تومان انهار در موضعی که به نام ایشان مشهور است . احوالات ایشان پوشیده است و صورت قبر ایشان بصورت تلچۀ طولانی افتاده .

مزار هدایت خواجه مجذوب

در جوار مزار حضرت ایشان در طرف شرقی آن در بلندی افتاده است . انتقال وی در سنه یک هزار و دوصد و چهل و چهار واقع شده . این مخلص ایشان را دیده [ودعا] گرفته بود .

مزار فیض آثار حضرت خواجه نو باغ

در تومان نو باغ واقع است . مزار ایشان بغایت کثیر الفیض و جلی الثور است .

مزار فیض آثار مولانا خواجگی کاسانی

مشهور به مخدوم اعظم دهبیدی است . کاسان از توابع فرغانه است از محکوم اند جان . ایشان از کاسان به موضع ده بید نقل نموده ساکن شده اند .

ایشان مرید قطب الابرار حضرت خواجه

ناصر الملة عبیدالله احرار قدس سره بوده اند .

مقامات و احوالات و کرامات جناب حضرت مخدوم اعظم از آن برتر است که به تقریر یا به تحریر آید. خامه این هیچ مدان از بیان آن عاجز و قاصر است و مقامات ایشان را کتابی است مشهور بلکه آن هم مجمل از تفصیلات ه حالات ایشان است .

اما زمانی که ندای «ارجعی الی ربك راضیة مرضیة» به گوش مبارکش رسید در تاریخ سنه نهصد و چهل و نه در بیست و یکم شهر محرم الحرام روز دوشنبه وقت چاشت مستحق جواب «انا لله وانا الیه راجعون» گردید، آن نور ۱۰ پاك را در زیر درخت مورد در مکانی که در حال حیات خود اکثر آنجا می نشست اند [و] آنجا خوش حال می شده اند به فانوس خلوتکده خاك محفوظ ساختند. لفظ «قطب عالم رفت وای» تاریخ [وفات] ایشان است .

و از سمرقند تا قریه ده بید يك فرسنگ است . ۱۵ و میرصافی ضمیر یلنکتوش بی اتالیق داخل سلسله خانوادۀ ایشان بود و مرید حضرت شیخ هاشم که فرزند

ایشان است بود . بنا بر آن یلنکتوش بی اتالیق درسنة يك هزار و بیست و هشت در سمت جنوبی مزار ایشان خانقاه وسیع رفیع بنا فرمود که همیشه مقام مشایخ کرام و موضع هجوم خواص و عوام است، «یزار ویتبرك به» .

مزار فیض آثار خلیفه صدیق علیه الرحمة

۵

ایشان خلیفه حضرت موسی خان علیه الرحمة اند . در کناره قریه ده بید بطرف شمالی آن به درون باغات واقع است .

مزار فیض آثار حضرت امام علی سغدی

۱۰ در موضع گمشکنت از تومان آفرین کنت واقع است . پدر ایشان حسن بن شیخ محمد سغدی است . در زمان ایشان قریه ایشان را «سغد خردا» می گفته اند . و سلسله ایشان بنه حضرت خواجه احمد یسوی منتهی می گشته است .

مزار فیض آثار مخلص خان

۱۵

در موضع سوغانچی از تومان آفرین کنت واقع

است . مخلص خان از خلفای حضرت قاسم شیخ عزیزان
 بوده اند و طریقه ایشان به حضرت خواجه احمد یسوی
 منتهی می گردد . ذکر ایشان در کتاب «لمحات» واقع
 است .

- ۵ مزار فیض آثار حضرت امام محمد بن اسماعیل بخاری
- در موضع خرتنگ از تومان سغد کلان واقع است .
 الحال آن موضع بواسطه مزار فیض آثار ایشان مشهور
 به موضع خواجه اسماعیل است . و بر سر مزار ایشان بر برج
 شمالی شرقی مسجد مذکور قریب بر آن افتاده است .
 ۱۰ از سمرقند تا به موضع خرتنگ دو فرسنگ است .
 وفات ایشان در سنه دوصد و پنجاه و شش بوده
 است ، « یزار و یتبرک به » .

مزار فیض آثار حضرت نوغی انا

- در موضعی که مشهور است به نام ایشان و قریب
 به مزار حضرت خواجه اسماعیل بخاری است ، در بالای ۱۵
 تل رفیع از تومان سغد کلان واقع است . ایشان از
 ولایت نوغی اند . در آن مقام آسوده اند ، علیه الرحمة

مزار فیض آثار حضرت عالم شیخ عزیزان

در موضع علی آباد از تومان شیراز که آن را تومان کابد نیز گویند واقع است . ولد ارجمند حضرت مؤمن شیخ عزیزان، وایشان ولد ارجمند حضرت درویش شیخ عزیزان بوده اند ، علیه الرحمة . ۵

مزار فیض آثار حضرت بریم شیخ عزیزان

در موضع «صید آهو» که قریب به موضع علی آباد است واقع شده . از سمرقند تا به موضع مذکور تخمیناً سه فرسنگ است، یزار و یتبرک به .

مزار فیض آثار حضرت عزیزان شیخ خداداد قدس سره

در موضع غریزه از تومان شیراز واقع است. ایشان مرید شیخ جمال الدین بوده اند، وایشان مرید شیخ خادم بوده اند . ۱۰

قبر حضرت شیخ خادم در برون سمرقند واقع است که آن را تعیین نموده شد . و حضرت ایشان معاصر حضرت مخدوم اعظم دهبیدی بوده اند . ۱۵

از سمرقند تا مزار ایشان دو فرسنگ است ، یزار و یتبرک به .



بو باید دانست (کذا) که از سمرقند تا بخارا
بیست و هشت فرسنگ است .

از سمرقند تا ولایت تاشکند سی فرسنگ است .
چنانچه از تاشکند تا تورکستان سی فرسنگ است . ۵
از سمرقند تا بلخ شصت فرسنگ است .
و از سمرقند تا مکه معظمه هشتصد و شصت
فرسنگ است .

و از سمرقند تا استرآباد دویست و هشتاد فرسنگ است .
و از سمرقند تا یمن هزار فرسنگ است . ۱۰
و از سمرقند تا اوترار هفتاد و پنج فرسنگ است .
و از سمرقند تا کاشغر یک صد و بیست و پنج
فرسنگ است .

و از سمرقند تا خطای دویست و شصت فرسنگ است .
و از سمرقند تا ولایت چین سه صد فرسنگ است . ۱۵
از سمرقند تا خوارزم هشتاد و هشت فرسنگ است .
هر فرسنگ دوازده هزار گز است و هر گز بیست و
چهار انگشت است .



قد وقع الفراغ من تسويد هذه النسخة الشريفة المسمى
بسمریه^۱ من ید خادم الطلاب ملا قاضی ابن ملا
عبدالرشید سنة ۱۲۹۲ فی شهر محرم الحرام فی ليلة
السبت و كنت مشغولاً بتدريس اهل الطلبة
و كنت مدرساً فی مدرسة شیبانی خان،
اللهم اغفر و لوالدیه و لجميع
المؤمنین و المؤمنات و المسلمین
و المسلمات، انک محب الدعوات
و قاضی الحاجات برحمتک
یا ارحم الراحمین
خط در ورق دهر بماند صد سال
بیچاره نویسنده که در خاک رود

۲۱۲۹۲

۱- اصل: بثمریه، و در تمام موارد سمرقند را به «نا»
کتابت کرده است. ۲- خاتمه نسخه ای که سه لوفسکی از
روی آن متن را بطبع رسانیده چنین بوده است: «تمام شد این نسخه
مسمی بسمریه فی ید اقل العباد ابو سعید مخدوم سمرقندی در
یکهزار و سیصد و سیزده فی شهر رجب المرجب.»

چند یادداشت

در تعلیقات کتاب فندیه (نهران، ۱۳۳۴) بعضی نکات و اطلاعات مربوط به سمرقند و رجال و مشایخ مذکور در آن کتاب مندرج شده است که تکرار و تجدید آن مطالب در سمریه لازم نبود. خوانندگان و خواستاران می توانند بدان کتاب که نسخش در دسترس است مراجعه نمایند. در اینجا فقط یادداشتهای خاص کتاب سمریه گفته می آید.



ص ۲۲ س ۲: تیره ماه اصطلاحی است قدیمی بجای پائیز، از آن زمان که تیر ماه به پائیز افتاده بوده است (از افادات سید حسن تقی زاده) و با اشاره دوست دانشمند آقای دکتر امیر حسن یزدگری دریافتیم که ابوالفرج رونی نیز آنرا استعمال کرده است: آمد آن تیر ماه سرد سخن کرم در گفتگوی شد با من اما اینکه آقای محمد علی ناصح در تعلیقات بر دیوان مذکور (ص ۱۰۱) «مهر ماه» را بجای آن صحیح دانسته اند نظر صحیحی نیست. چه این کلمه هم اکنون هم مورد استعمال تاجیکان بمعنای پائیز است و در لغتنامه تاجیکی روسی (مسکو، ۱۹۵۴) ضبط شده و به روسی پائیز معنی شده است.

در قسم اول «یادداشتها» (چاپ دوشنبه، ۱۹۵۸) نوشته صدرالدین عینی آمده است: «در تیره ماه آن سال پدرم با استاخواجه مصلحت کرده در بین خود قراردادند که ...» (ص ۸۴).

فاضل محترم آقای دکتر احمد علی رجائی در کتاب مفید «یادداشتی درباره لهجه بخارائی» (مشهد-۱۳۴۳) ذیل «تیره ماه» شواهدی چند از کتاب تاریخ منغیتییه (ص ۷۰، ۱۵۳، ۱۸۰) و کتاب «تحف اهل بخارا» (ص ۲۵۰) نقل کرده اند و نیز از فردوسی بیت زیر را آورده اند:

هوا تیره گون بدخود از تیر ماه

همی کشت بر کوه ابر سیاه

نیز از رساله کنز السالکین عبدالله انصاری این مورد را «باب ششم در غرور جوانی و تیره ماه پیری»، «واز مثنوی مولانا» پیر تابستان و خلقال تیره ماه، «وازمعارف بهاء ولد» از اول بهار تا آخر تیره ماه شش ماه پیوسته بود» (ص ۳۲) را به شاهد ذکر کرده اند.

ص ۲۲ س ۹۴: ناشپاتی و ناک نلم تاجیکی برای دو نوع از کلابی است و اولی در کتابی چون «مهماننامه بخارا» از قرن دهم تألیف فضل الله بن روزبهان خنجی (تصحیح منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۱) نیز استعمال شده است (ص ۲۸۱). این دو لفظ در لهجه افغانستان استعمال عادی دارد (لغات عامیانه فارسی افغانستان، کابل [۱۳۳۷]). در لهجه بخارائی هم بصورت ناشپاتی و هم ناشپوتی ذکر شده است. (ناشپاتی در لغتنامه تاجیکی بروسی بصورت «ناشیوتی» ضبط شده است، رجوع شود به لغتنامه مذکور ذیل این دو لفظ).

ص ۳۶ س ۹: منظور از سال عجم سال شمسی است.

ص ۳۵ س ۹۹: در احوال قثم بن عباس رساله ای بنام «در بیان حضرت شاهزاده قثم بن عباس» موجود است و بشماره ۱۸۶۲ در جلد دوم فهرست نسخه های خطی تاشکند معرفی شده است.

ص ۴۳ س ۷: در خصوص بنای مسجد جامع امیر تیمور

کورکان ، شرف الدین علی یزدی در ظفر نامه فصلی دارد که چون نقل آن موجب اطاله کلام خواهد بود ، بدانجا باید مراجعه شود (چاپ تهران ۱۳۳۶ ، جلد دوم ص ۱۴۴-۱۴۷).

ص ۴۵ س ۱۷ : بر مؤلف اشتباهی دست داده و آن اینکه صلاح الدین موسوی را یکی از دانشمندانی بشمار آورده است که در بنیاد رصد الغ بیگ دست داشته اند . در حالی که مراد همان قاضی زاده رومی است که در سطر ماقبل نام او را می آورد و نام قاضی زاده را که صلاح الدین موسوی است به اشتباه صلاح الدین موسوی نوشته و برای چنین نامی فرد مستقلی را تصور کرده است . مقبره قاضی زاده است در سمرقند است .

در خصوص رصد الغ بیگ ، پس از اینکه دانشمندان شوروی محل رصد را پیدا کرده و از زیر خاک بدر آورده اند ، مقالات و کتبی چند دقیق نوشته اند ، مخصوصاً نگاه کنید به :

Qari-Niyazuf, T.N.- *Astronomicheskaya skola Ulughbey*. Moscowa, Akademiye Nauk, 1950.

مراجع اطلاع بر احوال غیاث الدین جمشید و کارهای او را اینجانب در صفحات ۵۵۲-۵۵۵ تاریخ کاشان (چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۴۱) ذکر کرده ام .

ص ۴۵ س ۶ : عمك بجای عمود در تاجیکی مستعمل است ، شاهد : «عمك پدرم عبدالله خواجه ... به این سبب من هر روز چند بار پیش وی که او را عمك بابا می گفتم می رفتم ... » (ص ۸۹ قسم اول). «یادداشتها» نوشته صدرالدین عینی).

ص ۶۴ س ۱۶ : مراد از مشایخ ترك درین مورد و موارد دیگر مشایخ سلسله نقشبندیه است .

ص ۹۸ به پشت : بجز مطالبی که در باب این شخص در تعلیقات قندیّه ذکر کرده ایم رساله ای مختصر در مقامات او اثر ابوالحسن بن سیف الدین موجودست و بشماره ۲۲۳۶ و ۲۲۳۷ در جلد سوم فهرست نسخه های خطی تاشکند معرفی شده است .

ص ۹۹ س ۹ : نام مسجد کبود (مسجدسبز رنگ) در قندیّه (ص ۵۶ چاپ تهران ، ۱۳۳۴ که از روی چاپ سنگی سمرقند بوده است) سرریک ضبط شده است : ظاهراً سبزرنگ درست است ، چون اسم ترکی آنرا «کوک مسجد» می نویسد .

ص ۹۹ س ۹ : کتاب «لمحات» که در صفحات ۸۶ ، ۱۱۱ ، ۱۱۵ نیز ذکر می شود از تألیفات عالم شیخ عزیزان در احوال شیوخ و صوفیان نقشبندی، بنام «لمحات من نفحات القدس» در تاشکند بسال ۱۳۲۷ قمری طبع شده است (استوری ۱ : ۹۳۳) و در ذیل کشف الفنون بدون ذکر نام مؤلف، نام آن «لمحات الانسیه فی شرح النفحات القدسیه» آمده است .

ص ۷۹ س ۹ : فاصله او ترار تا سمرقند را در صفحه ۱۱۷ هفتاد و پنج فرسنگ می نویسد .

ص ۷۹ س ۱۷ : «چشمه مذکوره» عیناً در نسخه خطی است و موردی است که مؤلف یا کاتب رعایت قاعده عربی را مورد مضاف و مضاف الیه فارسی کرده است .

ص ۸۰ س ۱۲ : بجای حظیره در «قندیّه» «حفیره» ذکر شده است .

ص ۸۳ س ۵ : مخدوم اعظم دهبیدی که نام او در صفحات ۸۹ و ۹۶ و ۱۱۶ نیز آمده و در صفحه ۱۱۲ به فیوضات مزارش اشارت رفته است احمد بن جلال الدین خواجگی کاسانی متوفی در ۹۴۹ است

و تألیفاتی چند دارد از جمله « شرح غزل عبیدالله خان » ، « شرح رباعیات عبیدی » (شماره‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ فهرست نسخه‌های خطی تاشکند، جلد دوم) و « رساله در اسرار النکاح » (شماره ۴۹۵۰ فهرست نسخه‌های خطی تاشکند، جلد ششم) و در مقامات او دوست محمد بن نوروز احمد الکیشی جمعی بنام « سلسله الصادقین و انیس‌الماشوقین » کرده است که نسخه‌ای از آن در تاشکند موجود است و بشماره ۲۵۷۶ در جلد سوم فهرست نسخه‌های خطی آنجا معرفی شده است .

ص ۸۶ س ۹۷ : مجاربه شاه اسماعیل و محمد شیبانی که منجر به کشته شدن این امیر شد در قریه محمود آباد در سه فرسنگی مرو بسال ۹۱۶ اتفاق افتاد .

ص ۸۹ س : در مناقب خواجه اسحاق ولی فرزند مخدوم اعظم کتابی بنام « ضیاء القلوب » تألیف محمد عوض متوفی ۱۰۱۲ در دست داریم که بشماره ۲۶۰۴ در جلد سوم فهرست نسخه‌های خطی تاشکند معرفی شده است .

ص ۹۳ س ۹ : بیتمی که در مدح خواجه عبدالله احرار از جامی نقل می‌کند و می‌گوید که در کتاب [دیگر] می‌فرمایند بیتمی است از آغاز «سلسله الذم» و حق آن بود که بجای لفظ دیگر که میان دو قلاب گذاشته‌ام نام کتاب را عیناً می‌آوردم .

ص ۹۳ س ۵۹ : نام کامل کتاب مولانا محمد قاضی که در بیان مناقب و فضائل عبیدالله احرار است «سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین» است (کشف‌الظنون ذیل «سلسله العارفین»).

ص ۹۳ س ۶ : رشحات چاپ شده است، یکبار در کانپور (۱۹۱۲) و یکبار در لکنه‌و (۱۳۰۹ ق) و بار سوم که طبع زیبایی

وکاملی از آنست در تاشکند (۱۳۲۹ق) .

ص ۹۰۴ س ۹۵ : «کاشین، عیناً چنین است در نسخه و طبعاً مرکب است از کاشی + بن و بعلت تکرار دیا، يك دیا» حذف شده است .

ص ۹۰۷ س ۹۵ : از منکیه (کذا در نسخه) ظاهراً همان منفیّه یا منفیّیه مرادست و نام سلسله امرای منفیت است که از ۱۱۷۰ الی ۱۳۲۹ در بخارا حکومت داشتند و آثارشان در سمرقند هم وجود دارد (تاریخ سلاطین منفیّیه تألیف عبدالعظیم سامی، چاپ مسکو ۱۹۶۲، ومعجم الانساب والاسرات الحاكمة تألیف زمباور، چاپ قاهره ۱۹۵۱) .

ص ۱۱۹ س ۴ : «ارچه» و «برس» دو نام محلی، یعنی به لهجه تاجیکی، برای درختی است از خانواده کاج (نازو)، یعنی آنچه سرو کوهی گفته می شود .

این دو لفظ عیناً و با صور دیگر در لهجه های دیگر ایرانی نیز مستعمل است (نگاه کنید به «درختان جنگلی ایران» تألیف کریم ساعی، تهران ۱۳۲۶، ذیل این دو کلمه) .

جداول سلاطین و امرای ماوراءالنهر

چون درین کتاب جای جای از سلاطین و امرای محلی ذکر می شود مناسب دیده شد که جدول سه سلسله را درینجا از کتاب «زامبارو» نقل نماید تا کارمراجعه برای خواستاران آسان باشد .

شیبانیان ماوراءالنهر

ابوالخیر بن دولت شیخ
محمد شیبانی بن شاه بوداق
ابومنصور کوچکونجو بن ابی الخیر

۸۳۲-۸۷۳

۹۰۵-۹۱۶

۹۱۶

۱۲۵	چند یادداشت
۹۳۷	مظفرالدین ابوسعید کوچکونجو
۹۴۰	ابوالغازی عبیدالله بن محمود
۹۴۶	عبدالله بن کوچکونجو
۹۴۶	عبداللطیف بن کوچکونجو
۹۵۹	نوروز احمد بن سنجق
۹۶۳	پیر محمد بن جانی بک
۹۶۸	اسکندر بن جانی بک
۹۹۱	عبدالله بن اسکندر
۱۰۰۶	عبدالمؤمن بن عبدالله
۱۰۰۷	پیر محمد بن سلیمان

خانات استراخان

۱۰۰۹	باقی محمد بن جان محمد بن یار محمد
۱۰۱۴	ولی محمد بن جان
۱۰۱۷	امام قلی بن دین محمد (متوفی ۱۰۶۰)
۱۰۵۱	نادر محمد بن دین محمد (متوفی ۱۰۶۱)
۱۰۵۷	عبدالعزیز بن نادر
۱۰۹۱	سبحان قلی بن نادر
۱۱۱۴	عبیدالله بن سبحان قلی
۱۱۱۷	ابوالفیض بن سبحان قلی
۱۱۶۰	عبدالمؤمن بن ابی الفیض
۱۱۶۴	عبیدالله بن ابی الفیض
۱۱۷۱	ابوالغازی

منقبتیه بخارا

۱۱۷۰	محمد رحیم
۱۱۷۲	دانیال بن محمد
۱۱۹۹	میر معصوم شاه مراد بن دانیال
۱۲۱۵	حیدر توره بن میر معصوم
۱۲۴۲	حسین بن حیدر
۱۲۴۲	عمر بن حیدر
۱۲۴۲	نصر الله بن حیدر
۱۲۷۷	مظفر الدین بن نصر الله
۱۳۰۳	عبد الاحد بن مظفر الدین
۱۳۲۹	میر علیم بن عبدالماحد

فهرستهای پنجگانه

۱- فهرست لغات نادر واصطلاحات تاجیکی

حویلی به حولی نگاه کنید	آشیانه ۴۵ (سه بار) یعنی طبقه و
خاکجای ۷۳، ۶۵، ۵۷، ۱۴، ۱۳	اشکوب، در برهان قاطع
۷۷، ۷۵ به معنی مقبره	بمعنای سقف خانه آمده است.
است.	بالیدن ۲۲ (دوبار).
خاکریز ۶۵، ۳۸، ۳۷	تغای ۵۲ لغتی است ترکی یعنی
خواجه کلان ۹۷، منصبی بوده است.	خالو، دائی.
خودها ۱۰۰، ۹۰، ۸۹، ۶۲، ۵۷	چسفاندن ۱۰۲ = چسباندن.
خوله ۴۳، لغتی است تاجیکی	چوین ۸۷ لغت تاجیکی به رای
بمعنای مفرغ.	چدن و فلز ریخته.
دریا ۲۵، ۳۲، ۱۱۰، در قدیم	چهارباغ ۸۹، ۴۶، در تاجیکی
بمعنای رودخانه استعمال	بجای مطلق باغ استعمال
می شده است و اکنون در	می شود.
تاجیکی و افغانی باقی مانده	چینی خانه ۴۶
است.	حولی ۲۹، ۱۹، در تاجیکی بمعنای
دریزگر ۸۷، در تاجیکی بمعنای	خانه است. در بخارائی هم
نجار (دروودگر) مستعمل	استعمال دارد و امثله ای از آن
است. آقاسی دکتر رجائی	در کتاب «لوحه بخارائی»
ذیل «دوریزگر» ضبط	ذکر شده است.

کنانیدن ۴۸	کرده اند که همان درودگر باشد .
کوزه ۷۹	دیوار بستن ۳۰
کول ۳۰، ۲۹، بمعنای آبگیر	زینہ ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹
بزرگ آمده است ..	غنجره ۹۰
کلبن ۱۰۶	فوتیدن ۵۷
لك ۷۵، لفظ هندی است برای	قاضی کلان ۹۹، ۹۷، ۱۴، بمعنی
ده هزار .	قاضی القضاة
محکومات ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵	قدمجای ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۸، در
مضافات ۱۱۱، ۱۰۹	ایران قدمگاه گفته می شود .
نمازگاه ۱۰۴، ۵۶	قیمت بها ۴۲، یر قیمت ، در قدیم
نمک خورده ۴۶	«بیش بها» گفته می شده است .
یلی ۱۱۰، ۸۶، ۶۳، ۶۱، ۶۰	کلان ۱۰۱، ۵۹

۲- فهرست نام جانوران، گلها، میوه‌ها و داروها

برنجاسف ۲۳	آهو ۳۰
بقلة الحمقا ۲۴	آلبالو ۲۲
بنفشه سرخ ۳۱، ۲۳	آلو ۲۸
بنفشه سفید ۲۳	آلوی بخاری ۲۲
بنفشه کبود ۳۱، ۲۳	ارچه ۱۱۱
بنک‌دانه ۲۴	ارزن ۲۴
بهی (به) ۲۲	اسپند ۲۳
پردۀ عروس ۲۲	اسفناج ۲۳
پسته ۲۸	اطری هلال ۲۳
پنبه ۲۴	اکسیر ۳۰
پودینه ۲۳	انجیر ۲۲
پیاز ۲۴	اندود ۲۴
پیازعنصل ۲۸	انگور ۲۸، ۲۲
قرب ۲۴	ایگر ۲۸، ۲۳
قربوز ۲۲	بادنجان ۲۴
تنباکو ۲۴	بادیان ۲۲
جو ۲۴	بادیان رومی ۲۲
جوانی ۲۳	بالنگو ۲۲
جره ۲۸	برچاف ۲۴
چنار ۳۹	برس ۱۱۱

شبت ۲۲	چغز ۱۰۲
شفقالو ۲۲	چهارمغز ۲۸، ۲۲
شغال ۲۸	حواری ۲۴
شلغم ۲۴	خارخسك ۲۳
شیطرج ۲۳	خربوزه ۲۲
عافرقرحا ۲۳	خرس ۲۸
عنا ب ۲۴	خشخاش ۲۴
قیجی ۲۳	خوك ۲۸
قلنفور سرخ ۲۲	دالانه ۲۲
قوناق ۲۴	دلفروز ۲۲
كاسنی ۲۳	ریحان ۲۲
كبر ۲۳	روباہ ۲۸
كرفش ۲۸	ریواج ۲۸
كرم ۲۴	زردآلو ۲۲
كبك دری ۲۸	زعرور (دالانه) ۲۸، ۲۲
كبك هلال ۲۸	زغیر ۲۴
كاوزبان ۲۳	زنجبیل ۲۲
كردآلو ۲۲	زیره ۲۲
كشنیز ۲۲	سك كن = بیروج
كل ارغوان ۲۳	سبزی ۲۴
كل بنفشه ۲۳	سنگ چخماق ۲۹
كل بوستان افروز ۲۳	سورنجان ۲۴
كل تكمه ای سرخ ، سفید ۲۳	سیب ۲۸، ۲۲
كل جعفری ۲۳	شانه ۲۳
كل حنائی صدبرك ۲۳	شالی ۲۴

گل‌نسترین ۲۳	گل‌حنائی يك برك ۲۳
گل‌نسرین ۲۳	گل‌چینی سرخ ۲۳
گل‌همیشه بهار ۲۳	گل‌چینی سفید ۲۳
کوزن ۳۰	گل‌خیرو ۲۳
کیاه اکسیر ۳۰	گل‌داودی زرد ۲۳
کیاه سگ کن = یبرج	گل‌داودی سفید ۲۳
گندم ۲۴	گل‌رغنا ۲۳
کیلاس ۲۲	گل‌زلف خوبان ۲۳
لاله ۲۸	گل‌زیبا ۲۳
لاله رغنائی ۲۳	گل‌سرخ (= ورد) ۲۳
لب‌لبو ۲۴	گل‌سوسن ۲۳
لوبیا ۲۴	گل‌شبوی سفید ۲۳
ماش ۲۴	گل‌شبوی نافرمان ۲۳
مخلصه ۲۴	گل‌عاشق پیمان ۲۳
مورود ۲۲	گل‌عاشق مسکین ۲۳
ناشیانی ۲۲	گل‌کاشغری سرخ ۲۳
ناك ۲۲	گل‌کاشغری سفید ۲۳
نخود ۲۴	گل‌کاشغری کبود ۲۳
ورد ۲۳	گل‌کاشغری نافرمان ۲۳
یبرج ۲۴، ۲۸	گل‌لاله نعمان ۲۳
یوز ۳۰	گل‌ناظر حرم ۲۳
	گل‌نافرمان ۲۳

۴. اعلام اشخاص:

اشعری ، ابوالحسن ۷۹	آبریز ، ابوسعید [شیخ] ۹۹ (در
اصول ایغ حسن انا ۱۰۹	قندیه زاهد آبریز داریم)
افراسیاب ۲۰	ابوالحسن [خواجه -] ۶۳
افتخار شیخ ۱۱۱	ابوالحسن [شیخ الاسلام -] ۶۲
الوغ بیگ ۴۷-۴۴ ، ۴۹-۵۱	ابوسعید [سلطان] ۹۱، ۵۹
۱۰۲ ، ۷۶ ، ۶۱	ابوسعید خواجه (پدر مؤلف) ۹۸،
امام انا ۱۱۲	۹۹
امامقلی خان ۵۲، ۴۹، ۴۸	ابوطاهر خواجه سمرقندی (مؤلف)
امان [خواجه -] ۱۰۸	۹۹، ۱۴
امیر حسین [خواجه -] ۱۰۹	ابوعبدالله [حاکم] ۵۶
امیر خراسان ۶۲	ابوالمکارم [مولانا -] ۸۴
امیر سعید = حیدر بارشاه	ابوالمنصور = ماتریدی
اوز کندی ، شمس الدین ۶۴	ابونصر قصاب ۶۲
اولیا [خواجه -] ۸۳	احرار ، عبیدالله (ناصر الدین)
اویس قرن = ویس قرن	۳۵ ، ۵۰ - ۵۲ ، ۹۱ -
ایرج ۲۰، ۱۹	۱۱۳، ۹۹
باباحسین ۴۶	احمد [سلطان] ۵۹
باباصامت ۸۸	احمد [سید -] ۶۴
بابا نظر انا ۱۱۰	احمد خواجه ۵۹
بابا آبریز ۹۹	اخى [خواجه -] ۸۵
بخاری ، محمد بن اسماعیل ۱۱۵	اسکندر ۱۸ ، ۱۹
بخاری ، محمد بن سعید ۶۴	اسماعیل شیخ ۸۱

۱- اعلامی که با ستاره مشخص شده است آنهاست که در قندیه هم ذکر آنها آمده است .

نمبر بن الحارث ۲۰	بر که [امیر سعید -] ۷۴
جامی ، عبدالرحمن ۹۲، ۶۶	بغدادی ، ابوالفوارس ۶۶
جر جیس ۸۷	بکرالدین [سید -] ۸۲ (درقندیه
جستی (چشتی؟) ، لطف الله ۸۹	شیخ بکرالدین داریم)
جلال الدین ۱۰۳	بلخی ، ابوالفضل ۴۱ ، ۸۵
جمال الدین [شیخ -] ۱۱۶	☆ بلخی ، محمد فضل [خواجه -]
جوجی ۴۷	۶۴
چاروق پوش [خواجه -] ۱۱۱	بلخی ، محمد فضل شقیق ۸۲
چپ ، محمد ۳۷	بنده خاتون ۶۵ ، ۶۶
چرخ ، یعقوب ۹۱ ، ۹۲	بهاء الدین عمر [شیخ -] ۹۲
چوپان انا [خواجه -] ۱۱۰	یزدوی ، علی بن حسین [امام فخر -
حبیبه سلطان بیگم ۱۰۳	الاسلام] ۷۰ ، ۷۲
حسن انا [خواجه -] ۱۰۹	پیر میدان ، رشید ولی [خواجه -]
حسین [امیر -] ۶۰	۸۸
☆ حلوائی ، شمس الاثمه ۶۷	تاشکندی ، عارف جان بای ۴۲
حموی [خواجه -] = سنگ رسان	ترغای [امیر -] ۶۰
حیدر پادشاه (= امیر سعید) ۴۹ ،	ترکان آغا ۶۰
۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۶۲ ، ۹۸	تور ۱۹ ، ۲۰
خادم [شیخ -] ۳۷ ، ۶۵ ، ۱۱۶	تومان آغا ۵۹ ، ۶۱
خان سید امام = ناصرالدین	تیکرمانجی انا ۸۲
خاموش ، نظام الدین ۹۲	تیمور کورکان [امیر] ۱۹ ، ۴۲ ،
ختلانی ، اسحاق [خواجه -] ۱۰۵	۴۷ ، ۴۸ ، ۵۷ ، ۵۹ ، ۶۱ ،
خداداد [شیخ -] ۱۱۶	۶۹ ، ۷۰ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۸۱ ،
خضر ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۶ ، ۳۹ ، ۴۰	۸۹ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰
خلیفه صدیق ۱۱۴	نمبر = سمر

زودمراد [خواجه-] ۸۷
 ساغرچی، ابوسعید بن برهان الدین
 ۶۹
 ساغرچی، برهان الدین ۷۳، ۶۹
 سای لیک اتا (= سوالیک اتا)
 ۶۷
 سرمست، ابوطالب ۱۰۷
 سعید بن عثمان ۴۰، ۵۵، ۵۶،
 ۱۰۰
 سفدی، حسن بن محمد ۱۱۴
 سفدی، علی [امام-] ۱۱۴
 سقا [خواجه-] ۱۰۹
 سکاکی [ملا-] ۳۸
 سلطان خان خواجه شیخ الاسلام
 ۹۷
 سلم ۱۹
 سمر ۱۶-۱۷، ۳۵
 * سمرقندی، ابوالقاسم [خواجه-]
 ۱۰۶
 * سمرقندی، ابولیت ۸۱
 سمرقندی، یعقوب ابولیت ۸۱
 ۸۲
 سمرقندی، زاهد افکار ۸۶
 سنجر [سلطان-] ۱۰۲، ۵۷، ۳۵
 ۱۰۳

خلیل [سلطان -] ۴۴
 خواجگان [خواجه-] ۱۰۴
 خواجگی کاسانی [مولانا-] =
 دهبیدی، مخدوم اعظم
 خواجه جان خواجه ۸۶
 خواجه کوهک ۱۱۰
 خواجه مرغان ۹۰
 خواجه نوباغ ۱۱۲
 خوارزمی، حسین ۸۱
 خوارزمی، مخدوم ۳۸، ۸۲
 دارمی، اسکندر ۶۷
 دانیال [خواجه -] ۳۴، ۳۸، ۸۷
 درويزه گر [خواجه -] ۶۷
 درویش [مولانا -] ۸۲
 درویش خان ۸۱
 دشت نباتی، محمد ۸۴
 دمشقی، زین الدین ۶۷
 دهبیدی، اسحاق ولی بن مخدوم
 ۱۲۳، ۸۹
 ده بیدی، عبدالله بن اسحاق ۸۹
 ده بیدی، مخدوم اعظم ۸۳، ۸۹،
 ۱۲۲، ۱۱۶، ۱۱۲، ۹۶
 راقم (میرسید راقم) ۹۶
 رومی = قاضی زاده
 زنکی اتا ۱۰۹

- * سنگ رساں ، محمد (خواجہ حموی) ۶۵،۶۳،۳۷
سوالیک انا = سای لیک انا
سید انا ۱۱۰
شافعی [امام -] ۷۱
شاہ رخ ۷۶،۴۴
* شاہ زندہ = قثم بن عباس
شاہ سوار انا ۱۰۸
شیبانی، محمد ۸۴،۴۹،۴۸،۴۷
شیخ عزیزان ، پریم ۱۱۶
شیخ عزیزان ، درویش ۱۱۶
شیخ عزیزان، عالم بن مؤمن ۸۶،
۱۱۶،۱۱۱
شیخ عزیزان ، قاسم ۱۱۵
شیخ عزیزان ، مؤمن بن درویش
۱۱۶
شیرین بیکہ آغا ۶۰
صاحب دولت بکہ ۱۰۳
صفا [حاجی -] ۱۰۴
صفوی ، اسماعیل ۸۴
صفی ، علی ۹۳
صلاح الدین موسی = قاضی زادہ
رومی
صوفی دانشمند ۱۱۱
عادل بن موسی [امیر -] ۵۹
- عاشق [سید -] ۸۳
عبدالحی خواجہ شیخ الاسلام [میر -]
۹۸،۹۷
عبدالرحمن بن عوف [شیخ -] ۷۲
عبدالغریز ۴۶
عبداللطیف ۴۶
* عبد اللہ (قطب سیزدہم) ۶۸
عبد اللہ بہادر جان ۱۰۳
* عبد اللہ بن عباس ۵۵
عبد اللہ بن عمر ۴۰
عبدی برون [خواجہ -] ۹۹ ،
۱۰۱
* عبدی درون، معزالدین [خواجہ -]
۱۰۱-۱۰۵، ۱۰۴
عبید زیاد ۵۵
عثمان ۱۰۰
* عزیزان = شیخ عزیزان
عصمت اللہ [مولانا] ۹۶
عطار ، علاء الدین ۹۲
علی بن ابی طالب ۵۵
عمر بن خطاب ۹۱،۷۴
عمر بن کلال [میر سید -]
عمہ شاہ ۸۶
عینی ۵۶
* غاتفری [خواجہ -] ۶۷

* کوی عارفانی، زین الدین ۶۸	* غزالی، محمد ۷۱
کته بیک دیوان بیگی ۱۰۷	غفور [قاضی] - ۵۲
کرشاسیب ۱۸	غلام [خواجه] - ۹۱
کنج روان = عبدی درون	غنجاره [خواجه] - ۹۰
کیلانی، عصام الدین بن نظام الدین	غوث ۱۰۸
۹۷	غیاث الدین جمشیدکاشی ۴۵
لامشی [امام] - ۶۷	فخر الاسلام = پزودی
* ماتریدی، ابو منصور ۴۲، ۳۴،	فخر الدین خان [امام] - ۱۰۸
۸۲-۷۸	فریدون ۱۹
* محمد بن اسماعیل بخاری ۱۱۵	فضل بن عباس ۵۴
محمد بشار [خواجه] - ۱۰۶	قاسم [سید] - ۹۲
محمد تیمور ۴۸	قاضی، محمد [مولانا] - ۹۶، ۹۳
محمد بن جعفر صادق ۷۸، ۷۷	قاضی زاده رومی [صلاح الدین
محمد سلطان ۷۶	موسی] - ۱۲۱، ۴۵
محمد شریف دریز کر ۸۷	* قتیبه ۱۰۱، ۳۹، ۳۳
محمد صادق [مولانا] - ۱۰۳	قتلق آغا ۵۹
محمد قطنغو [خواجه] - ۸۳	* قثم بن عباس ۴۷، ۳۵، ۵۴-۶۲،
محمد بن مالک ازدر ۶۳	۱۲۰، ۱۰۰، ۸۸، ۸۶، ۶۳
* محمد بن الواسع ۸۵	قراخطا ۱۰۳، ۳۵
محمد ولید [خواجه] - ۶۴	* قطب سیزدهم = عبدالله
محمد یعقوب بن عبدی ۱۰۱	* قطب چهاردهم = نورالدین
مخدوم اعظم = دهبیدی	بصیر
مخلص خان ۱۱۵، ۱۱۴	قوشچی ۴۶
* مرغنائی، برهان الدین علی ۸۰،	کاشی، معین ۴۵
۸۲	کیری، نجم الدین ۱۰۵، ۸۱

- * مرغنائی، عمر بن احمد ۶۷
 مروزی، محمد بن نصر ۶۴
 مطبوعی، ابواسحاق بن ابراہیم بن
 سماس ۷۸
 مظفر [امیر] ۴۰
 معاویہ بن ابوسفیان ۵۵
 معصوم [امیر] ۵۱، ۴۸
 ملاخواجہ ۱۰۴
 منوچہر ۲۰
 موسیٰ خان ۱۱۴
 موی تاب [خواجہ] ۶۷
 * مہاجر [امیر] ۳۳
 مہد علیا ۴۷
 میرانشاہ [میرزا] ۷۶، ۴۴
 * ناصر الدین [خان سید امام] ۷۷، ۷۶
 ندیر محمد دیوان بیگی ۹۹، ۵۲
 نسبت دار [خواجہ] ۸۳
- نسفی، نجم الدین عمر ۸۰، ۴۰
 * نقشبند، بہاء الدین ۹۱، ۸۸-
 ۱۰۹، ۹۲
 * نور الدین بصیر (قطب چہادہم)
 ۱۲۲، ۷۲-۶۸
 نوغی اتا ۱۱۵
 * ویس (اویس) قرنی ۷۴
 ویسی اتا ۷۴
 ہاشم بن مخدوم اعظم ۱۱۳
 ہدایت خواجہ مجذوب ۱۱۲
 * ہمدانی، سید علی ۱۰۵
 * ہمدانی، یوسف ۶۶
 ہندی، بابازین الدین ۸۳
 یزدی، شرف الدین علی ۴۱
 * یسوی، احمد ۱۱۵، ۱۱۴، ۸۴
 یلنگتوش بی اتالیق ۷۷، ۵۰، ۴۹
 ۱۱۴، ۱۱۳

۴- فهرست جغرافیائی

بقیع ۷۲	* آب رحمت = جوی آب رحمت
بلخ ۱۱۷،۸۵،۸۰،۷۵،۷۴،۶۴	* آفرین کنت = تومان آفرین
پل خشتین ۶۷	کنت (قندیہ : آفرینکث) .
پل سیہ آب ۳۸	ارک عالی ۶۶،۵۱،۴۵،۴۴
پل محمد چپ ۳۸،۳۷	۸۸،۷۳،۷۲،۷۰،۶۹،۶۸
تاشکند ۱۱۷،۱۰۹،۹۱،۶۹	استرآباد ۱۱۷
تبغ ۱۸،۱۷	اندجان ۱۱۲
ترکستان ۱۱۷،۸۰،۷۵،۱۸	* انہار = تومان انہار
ترک ۱۰۹	اوترار ۱۲۲،۱۱۷،۷۶،۷۵
تکیہ قلندران = محلہ قلندر خانہ	ایران ۷۷،۱۹
تل پای رصد ۸۸ (درمہما ننامہ بخارا	باغ بلند ۸۹،۶۱،۳۸،۳۳،۲۶
نام آن تل رصد کر شدہ است،	باغ بہشت ۶۱،۲۷
ص ۲۹۰)	باغ جہان نما ۲۷
تل رفیع ۱۱۵،۱۰۹،۶۵	باغ چنار ۶۱،۴۶،۲۷
* تل طغان ۶۷ (قندیہ : تل	باغ دلکشا ۱۰۹،۶۱،۲۷
توغان)	باغ زاغان ۲۷
* تل مقربان ۶۷	* باغ شمال ۲۶
توران ۲۰،۱۹	باغ میدان ۸۸،۳۸،۳۳
تومان آفرین کنت ۱۱۴،۲۶	بنجہ کنت ۱۰۶
تومان انہار ۱۱۲،۳۲،۲۷،۲۶	بخارا ۹۹،۹۷،۹۲،۸۰،۵۲،۳۲
تومان سفد کلان ۱۱۵،۳۰،۲۶	۱۱۷
	بغداد ۷۹

حصار ۸۴	تومان شودار ۲۶، ۳۲، ۱۰۸ -
* حظیره مفتیان ۸۰ (قندیه :	۱۱۱
حفیره مفتیان)	* تومان شیراز = تومان کابد
حوض سنگین ۸۳	تومان کابد (= شیراز) ۱۱۶، ۲۶
خانقاه تومان آغا ۶۱	تومان نوباغ ۶۷، ۱۰۱، ۱۱۱،
خان کلدی بیک ۷۵	۱۱۲
خراسان ۵۵	نمرقند ۱۶، ۱۷
* خرتنگ ۱۱۵	نمرکینت ۱۶-۱۷
خطا ۱۱۷	* جا کردیزه ۴۰، ۴۱، ۸۰، ۸۱،
خواجه اسماعیل (محلّه) ۱۱۵	۹۹
خواجه کفشیر (قریه) ۹۵	جمعه بازار ۱۰۸
خوارزم ۸۰، ۱۱۰، ۱۱۷	* جوی آب رحمت ۳۳، ۳۴، ۴۶،
* در زنجیر ۸۱	۸۸
* دروازه آهنین = دروازه حضرت	جوی آب مشهد ۵۷، ۶۳
شاه .	جوی در غم ۳۲، ۱۰۸
دروازه پای قباق ۴۱، ۶۴، ۸۵،	جوی سیه آب ۳۳، ۶۵، ۶۶، ۸۸
۸۷	جوی ناوه دان = چشمه ناوه دان
* دروازه حضرت شاه (= آهنین)	جیحون ۱۹
۳۹، ۵۶، ۸۵	چشمه اسکندر = کول اسکندر
دروازه خواجه احرار ۳۵، ۷۷	۳۲
* دروازه سوزنگران ۵۱، ۹۳	چشمه خواجه دانیال ۳۴
دروازه قطب چهاردهم ۷۳	چشمه گرم سرد ۳۴
دروازه کازران ۷۷	* چشمه ناوه دان ۳۵، ۶۵، ۶۹،
دروازه مزار شریف ۶۱	۸۵، ۷۶
دریای آمویه ۱۹	چین ۱۱۷

صومعه مسکین ۶۵	دریای زرافشان ۳۲،۲۹،۲۵
صيد آهو ۱۱۶	* دریای کوهك ۲۷،۲۶،۲۵
عربستان ۱۸	۱۱۰،۱۰۹،۸۹،۵۷
عشرت خانه ۱۰۳	* دشت قطوان ۱۰۳،۳۵
* علی آباد ۱۱۶ (در چهار فرسخی	دشت نبات ۸۴
سمرقند، مهمان نامه بخارا،	ده بید ۱۱۴،۱۱۳،۱۱۲،۸۹
ص ۲۷۹)	دیوار قیامت ۱۰۰،۱۹
غارپل محمدچپ ۳۷	رازمان ۱۱۱
غارخواجه دانیال ۳۸	روم ۸۰
غارخواجه سنگ رسان ۳۷	زرافشان = دریای زرافشان
* غار عاشقان ۱۰۳،۳۸	* ساغرچ ۷۳
غار مسکین ۶۵،۳۷	سغد خرد ۱۱۴
غزیزه ۱۱۶	* سفد کلان = تومان سفد کلان
فان ۱۰۵	سفیددوك ۸۹
فرغانه ۱۱۲،۹۷،۸۰،۱۶	سقا ۱۰۹
قبرستان بنوناجیه ۵۶	سمرقند: در غالب صفحات ذکر
قراتیه ۱۱۱	آن می آید، نگاه کنید نیز
قراکول ۳۲	به سمرقند و ثمر کینت
قلعه اسکندر ۱۰۱،۱۰۰	سوغانچی ۱۱۴
قلعه افراسیاب ۳۹،۳۸،۳۷،۳۵	سیه آب = جوی سیه آب
۸۸،۶۵،۶۳،۵۴	شام ۵۴
قلعه سمرقند (یا قلعه شهر) ۱۹،۱۸	شاه زنده ۶۲-۵۴
۵۷،۵۴،۳۸،۳۵،۲۵،۲۰	شودار = تومان شودار
۱۰۰،۸۵،۶۵	* شیراز = تومان کابد
قلندر خانه ۱۰۴،۸۲،۳۸	شیرین کنت ۵۷

کندر زین کران ۷۴	قندوزک ۱۰۹
کندرمخدوم خوارزمی ۸۲	قواله ۱۰۴
کندریلنکتوش بی اتالیق ۸۲	کابد = نومان کابد
کل تپه ۸۱	کاسان ۱۱۲
کمشکنت ۱۱۴	کاشغر ۱۱۷، ۹۰، ۸۰، ۱۶
کوک مسجد = مسجد سبزرنگ	کان کل ۳۳، ۲۷ (فضل الله بن روزبهان
ماترید ۷۸، ۳۴، ۳۳	می گوید :
مازندران ۷۵	هر که را آرزوی کام دل است
ماوراء النهر ۱۰۷، ۵۵، ۱۸	منزل او قضای کان کل است
محلّه برون شهر ۹۹	مهماننامه بخارا ، ۲۹۱)
محلّه غانقر [= کوی غانقر] ۶۶	کرمان ۷۴
محلّه خواجه غلام ۹۱	کمانگران ۹۵
محلّه قلندرخانه = قلندرخانه	کول اسکندر ۳۲، ۲۹
محلّه خواجه کفشیر ۹۵، ۶۱	کول ماغیان ۱۰۱
محلّه نومولیان ۱۰۱	کوه خوددین ۳۰
مدرسه الوغ بیک ۴۰، ۴۱، ۴۴،	کوه فان ۱۰۵
۴۶	* کوهک (کوه) ۳۸، ۳۴، ۳۰،
مدرسه پیر محمد سلطان ۷۵	۱۱۰، ۴۵
مدرسه خواجه احرار ۸۳، ۵۰	کوی چوپانان ۶۹
مدرسه سید احمد خواجه ۴۹	کوی عارفان ۶۹
مدرسه شیردار ۴۰، ۴۱، ۴۹، ۵۰،	کوی غانقر ۶۶
۸۳	کندر ابولیت ۸۱
مدرسه طلاکاری ۴۰، ۵۰، ۸۴	کندر حوض جامع ۸۳
مدرسه عالی ۵۱	کندر خانقاه ۸۳
مدرسه علیک کولکلتاش ۵۱	کندر درزنجیر ۸۱

* مسجد سبز رنگ (= مسجد	مدرسه قاضی سامی ۴۸
كوك مسجد) ۱۲۲، ۶۹	مدرسه قاضی غفور ۵۲
(در قندیه مسجد سرریك	مدرسه قنیه ۱۰۳، ۵۷
ضبط شده است)	مدرسه محمد شیبانی خان ۴۷ ،
مسجد عبدالله بن عمر ۸۰، ۴۰	۱۱۸ (در مهمانخانه بخارا)
مسجد عمر نسفی = مسجد عبدالله	اخبار و اطلاعات مفید در باب
بن عمر	این مدرسه و بنای آن مندرج
مسجد كبود = مسجد سبز رنگ	است ، ص ۲۸۳، ۷۹
مسجد ماتریدی ۴۲	مدرسه ندیر محمد دیوان بیکی
مقبره جاگردیزه = جاگردیزه	۹۷، ۵۲
مكه ۱۱۷	مدینه ۷۲، ۵۵
موصل ۸۸، ۸۷	مرو ۸۴، ۶۶
نمازگاه سمرقند ۱۰۴، ۵۶	مزار خواجه دانیال ۳۸
* نوباغ = تومان نوباغ	مسجده (؟) ۳۲
نوش كنت ۶۹	مسجد ابوالفضل بلخی ۴۱
نوغی (محلّه) ۱۱۵	مسجد امیر تیمور ۸۷، ۸۶، ۴۲ ،
نهر درغم = جوی درغم	۱۲۰
نهر زرافشان = دریای زرافشان	مسجد جورانیه (؟) ۴۱ (در قندیه
هرات ۹۲، ۷۶	مسجدی بنام جوزانیان دیده
هندوستان ۸۰، ۶۱، ۴۲، ۱۹	میشود)
یرموك ۵۵	مسجد خضر ۶۳، ۳۹
یمن ۱۱۷، ۱۸، ۱۷	مسجد درزنجیر ۴۱

۵- فهرست اقوام و مذاهب و سلسله‌ها

سماوی ۱۰۰	آلچین ۴۹
شافعی ۷۱	ارلات ۵۲
عبدی ۱۰۰	اسلام ۱۷، ۳۰، ۵۶، ۶۴، ۱۰۰
عرب [عربان] ۱۰۰، ۱۷، ۱۶	اشاعره ۷۹
کند ۱۷	اورکوت ۱۰۸، ۱۰۷
ماتریدییه ۸۰، ۷۹	اوزبکیه ۴۵
منکیه ۱۰۷	ترك [ترکان] ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۶۴
ناجیه ۷۹	۸۲، ۶۷، ۶۶
نقشبندییه ۱۲۱	تیموریه ۱۰۲
	حنفی ۱۰۸، ۷۱

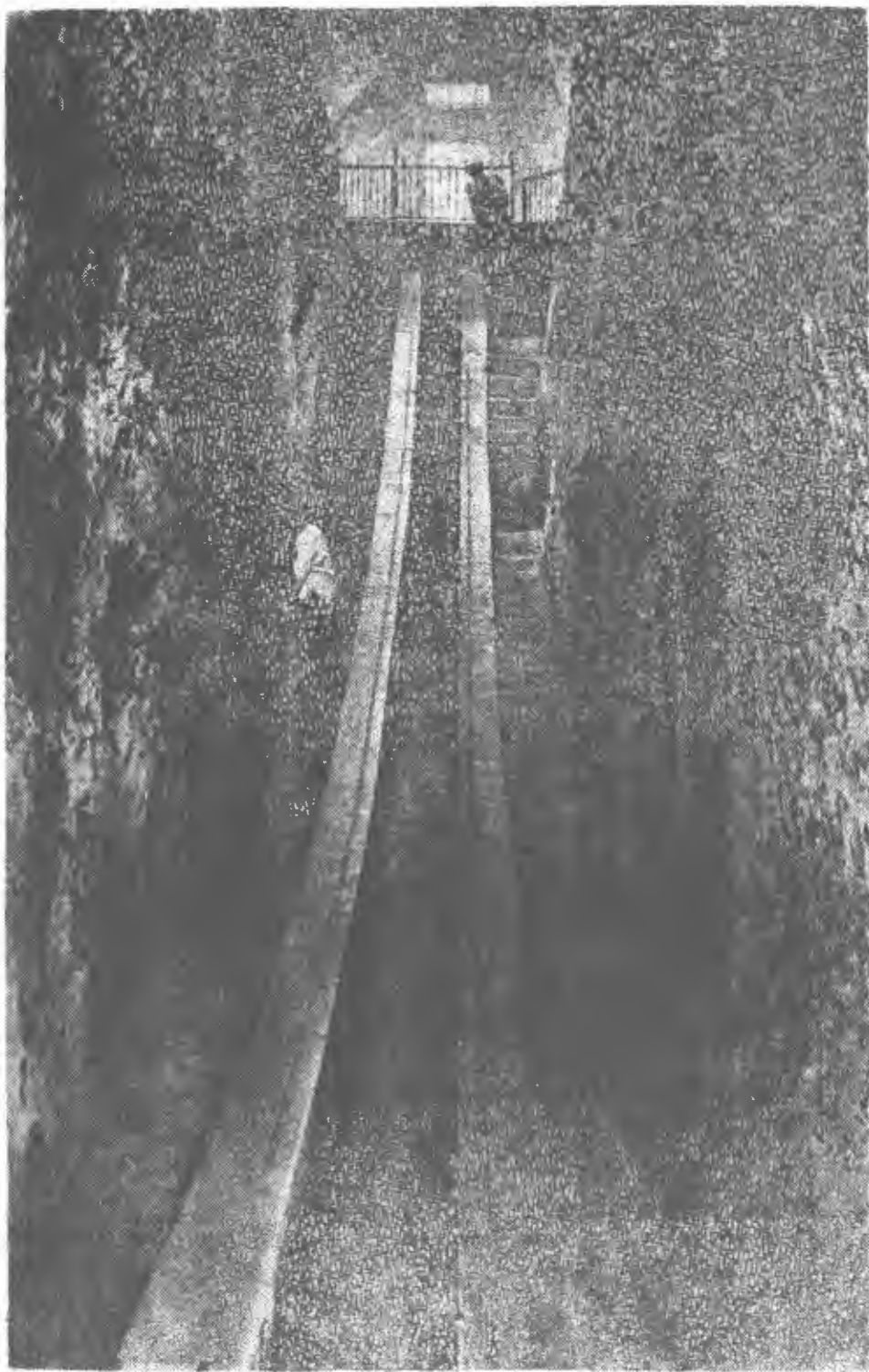
۶- فهرست کتابها و رسائل

تحفة الاحرار ۹۲	آثار البلاد ۱۸
تمیز صحابه ۵۴	اخلاق بهادر خانی ۹۸
تهذیب الاسماء ۵۴	اصابه ۵۴
حیره الفقها ۷۸	اصول یزدوی ۷۰
رشحات ۹۶، ۹۳	برهان قاطع ۱۶
زبور داود ۹۸	تاریخ طبری ۱۷
سلسله العارفین ۱۲۳، ۹۶، ۹۳	تاریخ مدینه ۷۲
سمریه ۱۳	تاریخ نشابور ۵۶

مبسوط ٧٠	شرح بيضاوى ٩٨
مسالك الممالك ١٦	شرح جامع الصغير ٧٠
مشكوة الانوار ٧١	شرح الشرح هدايه ٩٨
نفحات الانس ٦٦	شرح صحيح بخارى ٩٨، ٥٦
هدايه ٨٢، ٨٠	شرح مختصر وقايه ٨٤
هفت اقليم ١٧	فنديه ١٣
ياقوة التأويل ٧١	لمحات ١٢٢، ١١٥، ١١١، ٨٦، ٦٦

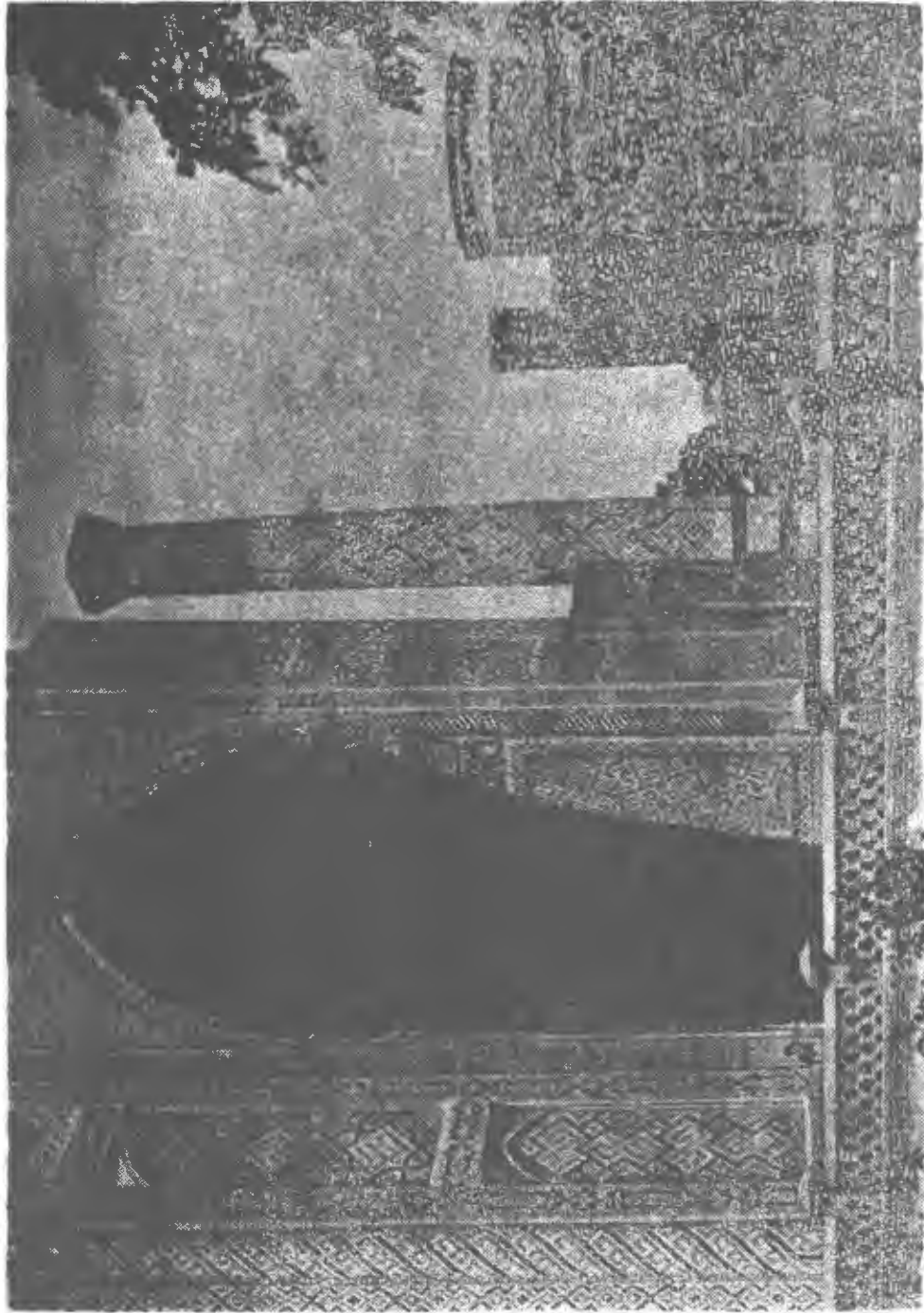
اصلاح اغلاط مهم

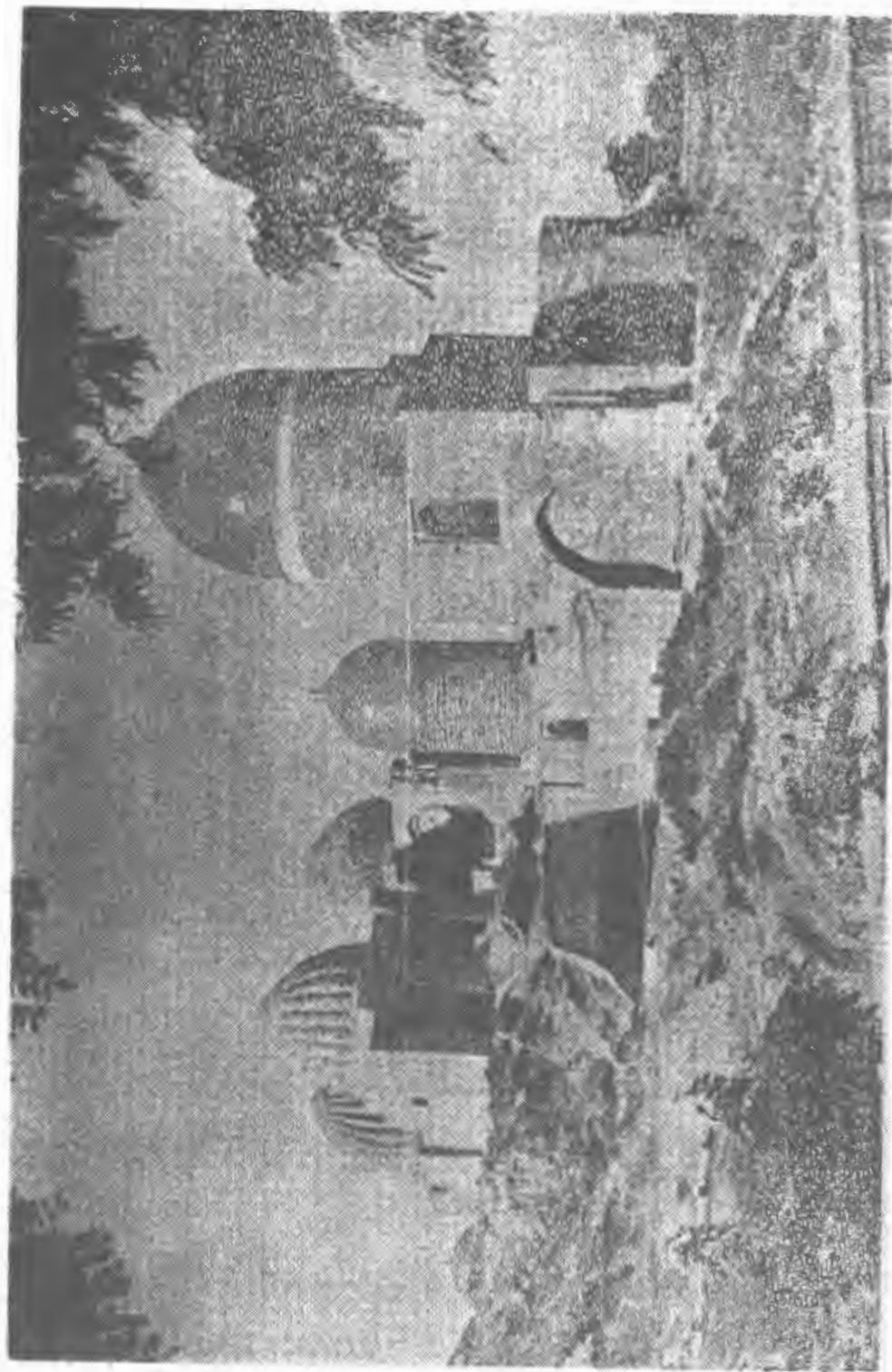
ص ٣٠ س ١٣ :	اروح / ارواح
ص ٣٥ س :	قطوران / قطوان
ص ٣٩ س ٥ :	قتبيه / قتيبه
ص ٤٠ س ٩ :	سعد / سعيد
ص ٤٩ س ٩ :	پاشا / پادشاه
ص ٦١ س ٩ :	آقا / آغا
ص ١٠٣ س :	قطوران / قطوان



بیت صندلغ بیك

مدرسة بلك الغ

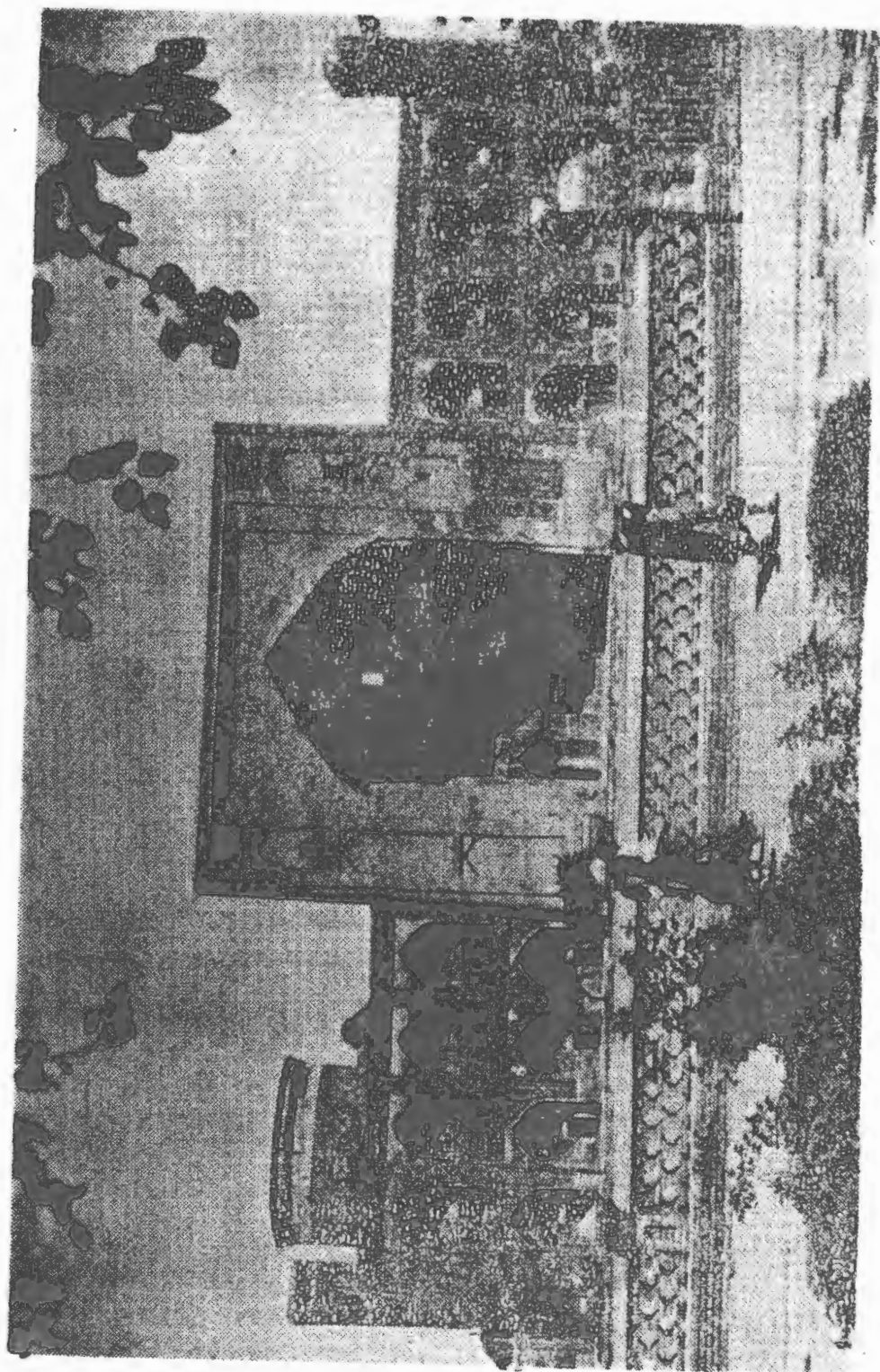


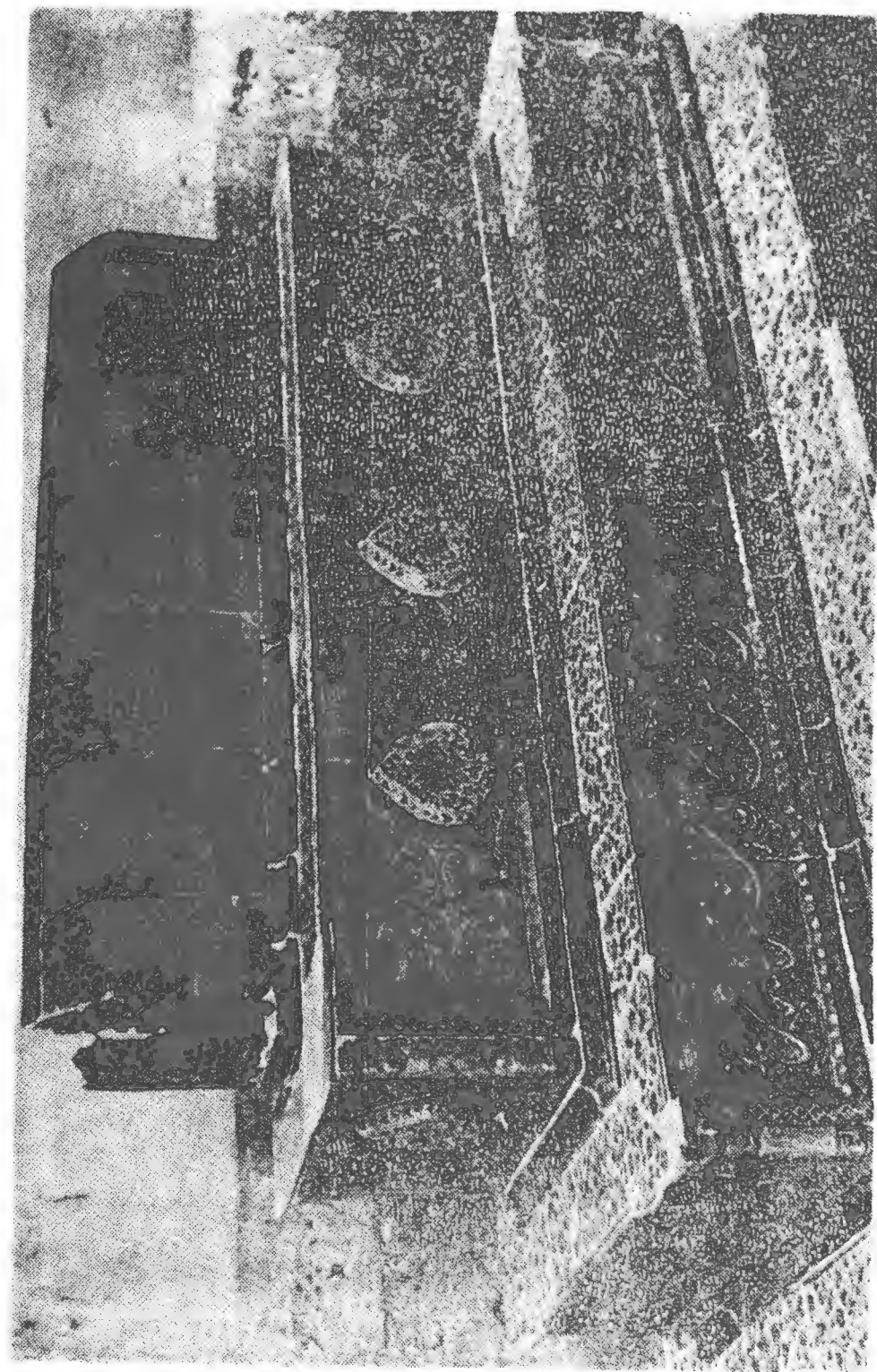


مزار قديم بن عباس (شاه زند) و مرقد قاضي زاده رومي

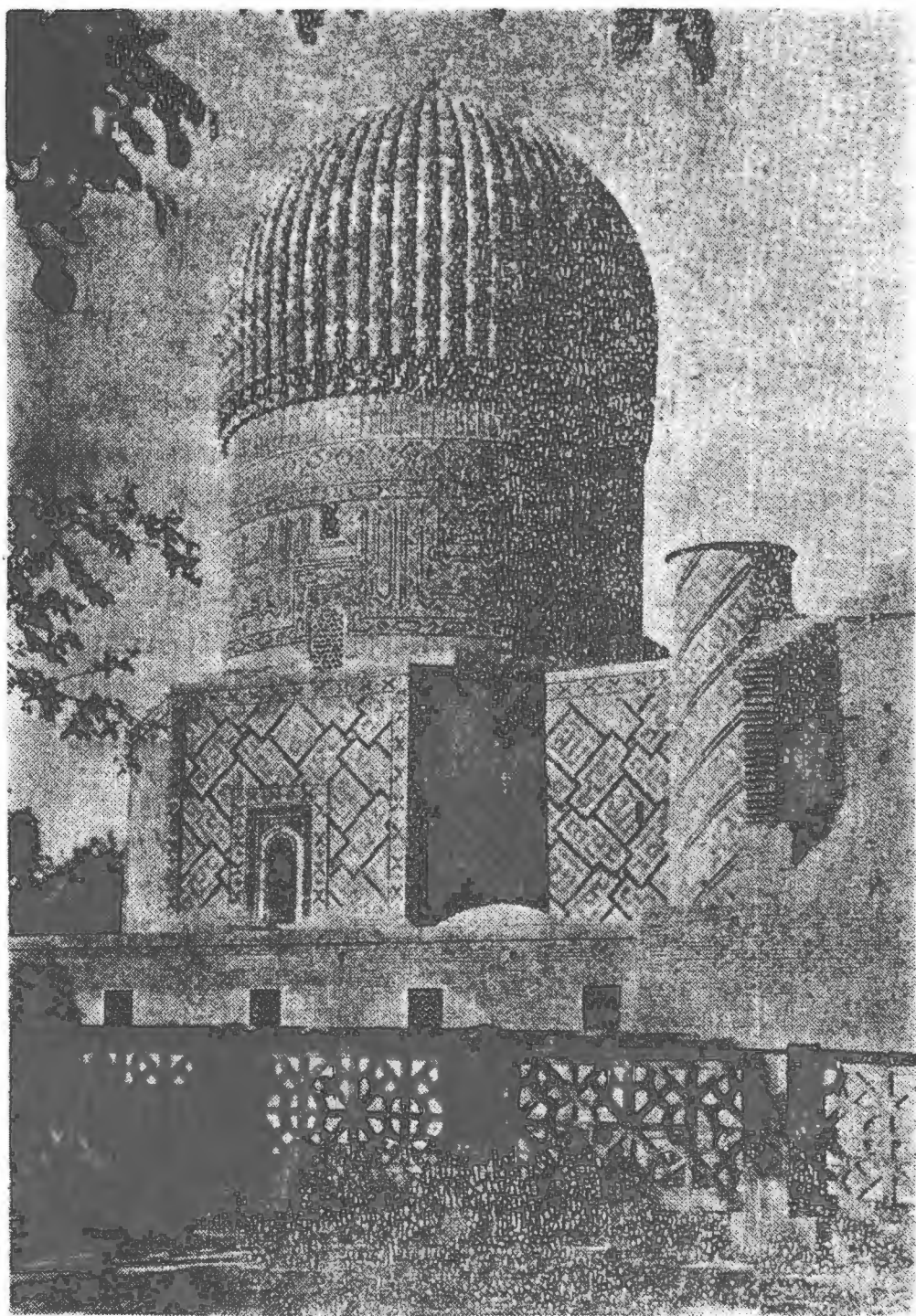


مدرسه طلاقاری





کاشی مزار قثم بن عباس



گور امیر تیمور گورکان

انتشارات فرهنگ ایران زمین

کتابها

- ۱- فرهنگ لارستانی : تألیف احمد افتداری بامقدمه
استاد ابراهیم پورداود ۱۲۰ ریال
 - ۲- تاریخ گاشان : تألیف عبدالرحیم ضرابی متخلص به
سهیل ، بکوش ابرج افشار . (چاپ دوم) ۳۰۰ ریال
 - ۳- فرهنگ بهدینان (زردشتیان) : کردآوری جمشید
سروش سروشیان بامقدمه ابراهیم پورداود : بکوش منوچهر-
ستوده ۱۰۰ ریال
 - ۴- فرهنگ کرمانی : کرد آوری و تألیف منوچهر
ستوده ۱۵۰ ریال
 - ۵- دو رساله در آثار علوی : ۱- الرسالة السنجرية
فی الکائنات العنصرية تألیف زین الدین عمر ساوجی : ۲- رساله در آثار
علوی تألیف محمد بن مسعود (دومتن فارسی قرن ششم هجری) ،
بکوش محمد تقی دانش پزوه ۱۰۰ ریال
 - ۶- جامع الخیرات : موقوفات سید رکن الدین یزدی ،
بتصحیح محمد تقی دانش پزوه و ابرج افشار ۱۵۰ ریال
 - ۷- فرهنگ اشعار عامیانه : کردآوری سید محمدعلی
جمال زاده ، بکوش محمد جعفر محبوب ۲۵۰ ریال
 - ۸- سفرنامه ایران : تألیف ابودلف مسعر بن مهلهل ،
تصحیح ولادیمیر مینورسکی ، ترجمه ابوالفضل طباطبائی ۶۰ ریال
 - ۹- سمریه : تألیف ابوطاهر سمرقندی - بکوش ابرج
افشار ۸۰ ریال
 - ۱۰- تاریخ جدید یزد : تألیف احمد بن علی کاتب (قرن
نهم) بکوش ابرج افشار (زیر چاپ)
- مرکز فروش : کتابفروشی ابن سینا

چاپ اول	بطرز بورع	۱۹۰۴ م.
چاپ دوم	تهران	۱۳۳۱ ش.

چاپ سوم سمریه در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین

در اسفند ۱۳۴۳ در چاپخانه تابان به اتمام رسید.

Publications de
Farhang-e Iran Zamin

Directeur: Iraj Afšar

9

SAMARIYAH

(History of Samarqand)

Par

Abu- Tahir Samarqandi

Edité par

Iraj AFSHAR

Tehran, 1965

